

کارگر کمونیست

درباره مسائل جنبش کارگری

حزب کمونیست کارگری ایران

سردبیر: شهلا دانشفر

shahla.daneshfar2@gmail.com

۸۶۱

۱۹ آذر ۱۴۰۳

۹ دسامبر ۲۰۲۴



دوشنبه ها منتشر میشود

قانون حجاب و عفاف در
خیابان به ضد خودش تبدیل
خواهد شد

مهران محبی، صفحه ۱۵

کارگران در هفته ای که
گذشت صفحه ۶

از خوزستان خبر میرسد
صفحه ۹

تجمع اعتراضی کارگران
رسمی در شرکت نفت فلات
قاره در سیری صفحه ۱۰

تجمع بازنشستگان معلم
۱۴۰۰ و دانشجویان دانشگاه
آرد علوم پزشکی
صفحه ۱۱

بیانیه ۹۲۳ نفر از معلمان
در مخالفت با قانون عفاف و
حجاب
شهلا دانشفر، صفحه ۱۴

فراخوان به مردم آزاده ایران

اسد رفت، جمهوری اسلامی هم باید برود! صفحه ۳



سقوط اسد، ضربه مهلک دیگری به جمهوری اسلامی
حمید تقوایی، صفحه ۲

علیه اعدام جنبشی قدرتمند و سیاسی در ایران
سوال از شهلا دانشفر، صفحه ۷

دو یادداشت: مساله دستمزدها و تحولات سوریه
یاشار سهندی، صفحه ۴

مقدر خدا این بود که بشار اسد سرنگون شود! مهران محبی، صفحه ۵

جامعه پیشرو، حاکمیت آچمز - حمید دائمی صفحه ۸

۱۸ آذر: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد در چندین شهر
"نه جنگ میخوایم نه کشتار، رفاه میخوایم ماندگار"، صفحه ۱۱

اعتصاب و تجمع کارگران ارکان ثالث در پالایشی گاز جم، تجمع بازنشستگان در کرمانشاه و
پرستاران در قم صفحه ۱۲

تجمعات بازنشستگان نفت در اهواز، معلمان سواد آموزی، و مالباختگان صفحه ۱۲

۶ آذر ماه: تجمعات معلمان بازنشسته ۱۴۰۲ در تهران، معلمان بازنشسته در یزد، کارگران مترو در
تهران و اعتصاب پرستاران در اهواز صفحه ۱۲

ادامه اعتراضات بازنشستگان مخابرات و بازنشستگان معلم ۱۴۰۰، صفحه ۳

مدیای اجتماعی

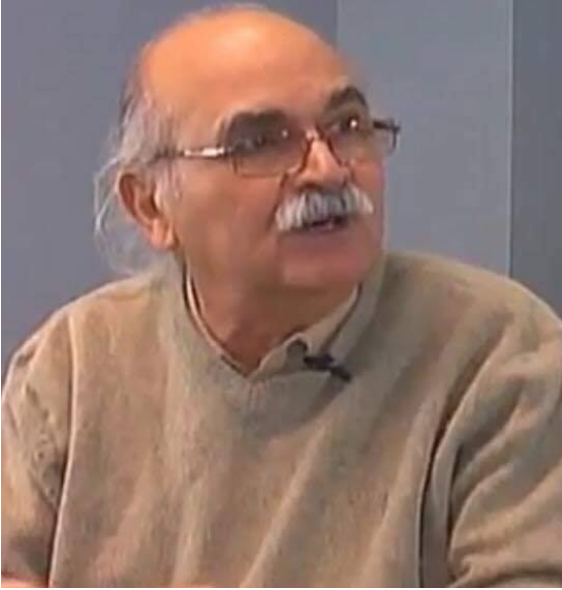
قانون "حجاب و عفاف"، اعلام رسمی جنگ علیه مردم! صفحه ۱۳

بیانیه فعالان و نهادهای حقوق کودک: اعتراض به قانون حجاب و عفاف، صفحه ۱۴

بیانیه تشکلهای و نهادهای کارگری و اجتماعی به مناسبت روز دانشجو، صفحات ۱۷-۱۶

بیانیه انجمن صنفی معلمان گردستان (مریوان و سروآباد، سقز و زیویه، سنندج)، صفحه ۱۶

کیفرخواستی به بهانه روز جهانی حقوق بشر! بیانیه ده تشکل کارگری و اجتماعی صفحه ۱۸



سقوط اسد، ضربه مهلک دیگری به جمهوری اسلامی

حمید تقوایی

با سقوط حکومت بشار اسد آخرین ستون "محور مقاومت" جمهوری اسلامی در منطقه فروریخت و رژیم خامنه ای ته مانده نفوذ و اعتبارش در منطقه و حتی در میان نیروهای متحدش را از دست داد. این تحول در شکل دادن به آینده مردم سوریه، ایران و کل خاورمیانه نقش تعیین کننده ای دارد.

موقعیت جمهوری اسلامی: مردم سوریه از شر حکومتی خلاص شده اند که به کمک جمهوری اسلامی و روسیه خیزش آنان در متن انقلابات بهار عرب را وحشیانه در هم کوبید. جمهوری اسلامی با صرف بیش از ۳۰ میلیارد دلار از جیب مردم ایران، با اعزام نیروهای سپاه قدس و حزب الله و سرکوب و کشتار مستقیم نزدیک به نیم میلیون نفر و آواره کردن قریب به ۱۰ میلیون نفر از مردم سوریه که علیه حکومت اسد بمیان آمده بودند، حکومت اسد را سرپا نگاهداشت. به این معنا سرنگونی دولت اسد سرنگونی جمهوری اسلامی در سوریه نیز هست. حمله مردم به سفارت جمهوری اسلامی و پاره کردن بیلبردهای سلیمانی و حسن نصرالله و خامنه ای، در کنار به پائین کشیدن مجسمه های حافظ اسد، که خامنه ای او و پسرش را "قهرمان مقاومت" در برابر شیطان بزرگ و عمق استراتژیک حکومتش در منطقه میدانست، سرنگونی جمهوری اسلامی در خود ایران را نیز در برابر چشم همگان قرار میدهد.

از سوی دیگر یک نتیجه مهم سقوط اسد بالا گرفتن بیسابقه اختلافات و کشمکشها در میان دارو دسته های حکومت جمهوری اسلامی است. این بار نفس سیاستهای غرب ستیزانه ای که خامنه ای مدافع و نماینده پیگیر آن بود از سوی حتی اصولگرایان تماما بزیر سوال میرود و خامنه ای بدنبال رسوائی و بی اعتباری منطقه ای سیاستها و اهدافش، موقعیت و اعتبار خود در میان باندهای حکومتی در خود ایران را نیز تماما از دست میدهد.

همه این فاکتورها حاکی از آنست که با سقوط اسد، انقلاب زن زندگی آزادی در ایران شتاب میگیرد و روند سرنگونی رژیم شیب تندتری می یابد.

وضعیت خاورمیانه: شکست کامل سیاستهای منطقه ای جمهوری اسلامی و تضعیف و خنثی شدن نیروهای پیش برنده این سیاست ها شرایط خاورمیانه را نیز به نفع مردم منطقه کاملا متحول میکند. بعد از سوریه نوبت عراق و یمن و پایان نفوذ جمهوری اسلامی در این کشورها است. در یک چشم انداز عمومی تر با بی اعتباری و انزوای منطقه ای جمهوری اسلامی دوره تقابل نیروهای اسلامی و راست افراطی اسرائیل، که یکی با بیرق غرب ستیزی و انهدام اسرائیل و دیگری با ادعای مقابله با تروریسم و دفاع از دموکراسی، مساله برحق مردم آواره فلسطین را هایجک کرده و

اهداف ارتجاعی خود را به پیش میبردند، نیز به سر میرسد. اکنون نیروهای چپ، مترقی و سکولار در منطقه فرصت می یابند تا دوباره طرح دو دولت و راه حل انسانی مساله فلسطین را در مرکز توجه جهانیان قرار بدهند و برای همیشه سایه سپاه جنگ صلیبی بین اسلامیسیم و یهودیت را از سر منطقه کم کنند.

آینده سوریه: حضور فعال نیروی ارتجاعی هیئت تحریر شام در میان نیروهای مسلح برانداز رژیم اسد و حمایت صریح دولت ترکیه از این نیرو و آینده سوریه را در هاله ای از ابهام و نگرانی فرو میبرد. هیئت تحریر شام مدعی است که خواهان حکومتی متشکل از همه نیروهای شورشی و پیروی از رای مردم سوریه است و برخلاف جمهوری اسلامی، و یا داعش و القاعده که نسبش به آنها میرسد، ادعاهای منطقه ای و فرا سوریه ای ندارد. اما اینکه تحریر شام در آینده و بعنوان یک نیروی حکومتی چه خواهد کرد را نمیتوان بر اساس این ادعاها پیش بینی کرد. سیاست خارجی نیروهای اسلامی مثل تحریر شام هرچه باشد، پیاده کردن قوانین فوق ارتجاعی اسلامی علیه مردمی که ادعای نمایندگی آنان را دارند جزئی از کارنامه همه آنان است. از این نقطه نظر طالبان و داعش و القاعده و جمهوری اسلامی و حماس و حزب الله و تحریر شام فرق چندانی با یکدیگر ندارند.

از سوی دیگر حضور "نیروهای دموکراتیک سوریه" (قسد) که ی پ گ، نیروی مسلح کرد که در مبارزه با داعش نقش پررنگی داشت، رهبری آن را در دست دارد و خصومت استراتژیک دولت ترکیه با نیروهای کرد سوریه میتواند زمینه کشمکش و تنش و جنگ داخلی بین نیروهائی باشد که هر یک خواهان سهمی در دولت آتی سوریه هستند. دولت ترکیه نیز از این جهت نقش مخربی خواهد داشت.

اما آینده سوریه هر چه باشد نفس قطع حضور و نفوذ جمهوری اسلامی در تحولات این کشور یک گام مهم به پیش در جهت تقویت نیروهای انقلابی و چپ و سکولار در آن کشور و بمیدان آمدن مجدد توده مردم برای در دست گرفتن سرنوشت سیاسی خود است. باید امیدوار بود و تلاش کرد که سقوط اسد شرایط مساعدی برای ایفای نقش مردم سوریه فراهم آورد.

از این نقطه نظر نیز تضعیف هرچه بیشتر جمهوری اسلامی در ایران و پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی تاثیر تعیین کننده ای در تقویت صف مردم علیه هر نوع دولت اسلامی و انتیکی در سوریه و در کل منطقه خواهد داشت. نقطه عطف بعدی تحولات خاورمیانه سقوط جمهوری اسلامی در خود ایران خواهد بود.

۱۸ آذر ۱۳۰۴، ۸ دسامبر ۲۰۲۴

نه جولانی، نه اسد

ما می‌خواهیم کشورمان را بسازیم





جمهوری اسلامی با انقلاب ما مردم سرنگون خواهد شد. انقلابی زنانه، آزادیخواهانه، ضد اسلامی و برای رفاه و آزادی. وجود یک جامعه مدرن و تشنه رفاه و آزادی، وجود جنبش عظیم ضد اسلامی، جنبش عظیم رهایی زن، جنبش‌های اجتماعی آزادیخواهانه‌ای مانند علیه اعدام، جنبش گسترده معیشت و رفاه، خشم و اعتراض عمومی علیه فقر و فساد و حکومت مفتخوران اسلامی و در یک کلام اتحاد مردم حول مطالباتی عمیقاً انسانی و برابری طلبانه آینده روشنی را مقابل مردم ایران قرار داده است. با سرنگونی اسد روند انقلاب در ایران پرشتاب‌تر خواهد شد. نباید اجازه دهیم قاتلان و فاسدان اسلامی حاکم در ایران فرصت بخرند. وقت وارد کردن ضربه نهایی برای به زیر کشیدن حکومت فرارسیده است.

حزب کمونیست کارگری ایران - ۱۸ آذر ۱۴۰۳، ۸ دسامبر ۲۰۲۴

فراخوان به مردم آزاده ایران

اسد رفت، جمهوری اسلامی هم باید برود!

با سقوط دیکتاتوری بشار اسد آخرین سنگر منطقه ای جمهوری اسلامی فرو ریخت و حکومت اسلامی شکست مهلکی را متحمل شد. با سرنگونی حکومت ارتجاعی سوریه تحولاتی که از ۷ اکتبر در منطقه شروع شده بود وارد نقطه عطف تازه‌ای شد که اساس آنرا در هم شکستن نیروهای جنبش اسلامی و شکست استراتژیک جمهوری اسلامی تشکیل می‌دهد. این تحولات جمهوری اسلامی را در بحرانی‌ترین و ضعیف‌ترین دوران حیاتش قرار داده و زمینه را برای به سرانجام رساندن انقلاب ناتمام زن زندگی آزادی تماماً آماده کرده است.

شکست همه‌جانبه جمهوری اسلامی در سیاست‌های منطقه‌ای و داخلی، انزوای جهانی آن، شکست همه‌جانبه طرح و قانون حجاب و عفاف بعنوان مهمترین سنگر سیاسی و ایدئولوژیک نظام، رشد و گسترش اعتراض بخش‌های مختلف جامعه که این روزها بار دیگر سیر صعودی قابل توجهی یافته است و ورشکستگی اقتصادی زلزله‌ای را در صفوف بهم ریخته خود حکومت دامن خواهد زد. این شکست‌ها قبل از هر چیز دامن خامنه‌ای را می‌گیرد که مسئول مستقیم همه آنها بوده است. این فاکتورها روند تجزیه جمهوری اسلامی، فروپاشی از درون و عروج انقلاب برای جارو کردن بساط حکومت را تسریع کرده است. اگر آینده سوریه نامشخص است اما آینده ایران کاملاً روشن است.



ادامه اعتراضات بازنشستگان مخابرات و بازنشستگان معلم ۱۴۰۰

ادامه اعتراضات بازنشستگان مخابرات و بازنشستگان معلم ۱۴۰۰ امروز دوشنبه نوزدهم آذر ماه بازنشستگان مخابرات مثل هفته‌های قبل علیه فقر و بی‌تامینی و اختلاسگری‌های حاکم تجمعات سراسری خود را بر پا کرده و پیگیر مطالباتشان شدند.

این تجمعات در این هفته در شهرهای اصفهان، شیراز، تبریز، تهران، زنجان، کرمانشاه، ساری، بیجار، سنندج، ارومیه، همدان، اهواز برگزار شدند. شعارهای اعتراضی بازنشستگان در این تجمعات عبارت بودند از: "بازنشسته داد بزن، حقتو فریاد بزن"، "تا حقمون نگیریم، از پا نمی‌نشینیم"، "یک اختلاس کم بشه، مشکل ما حل میشه"، "ستاد فرمان امام مخابرات روبرده، حق ماها را خورده"، "بنیاد تعاون حق ماها رو خورده"، "سهامدار خیانت میکند، وزیر حمایت میکند"، "وعده‌های بی حاصل، دوشنبه‌های می‌آییم"، و "اگر سنگ هم بیاره، دوشنبه‌ها می‌آییم". در اصفهان یکی از بازنشستگان سخنرانی کرده و خطاب به دزدان حاکم می‌گوید: "مدیران ستاد اجرایی امام مدیران تعاونی سپاه! ما تا زمانی که به حق و حقوق خود نرسیم دست از تجمعات نمی‌کشیم" سخنان او با کف جمعیت روبرو شد. در این روز همچنین جمعیت کثیری از بازنشستگان معلم ۱۴۰۰ از نقاط مختلف کشور در اعتراض به سطح نازل حقوقها و با خواست اجرایی شدن رتبه بندی و

پرداخت مطالبات معوقه خود در تهران مقابل مجلس اسلامی تجمع و راهپیمایی کردند. این سومین بار در یک ماه اخیر است که این معلمان تجمع کرده و با فریاد شعارهایشان پیگیر مطالباتشان میشوند. این تجمع در حالی برگزار شد که باران می‌بارید و بازنشستگان شعار میدادند: "سرما و باران، نیست جلو دارمان"، و "فریاد، فریاد، از اینهمه بیداد".

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ آذر ۱۴۰۳، ۹ دسامبر ۲۰۲۴



دو یادداشت: مساله دستمزدها و تحولات سوریه

یاشار سهندی

در حال تهیه مقدماتی بودم که مطلبی را در مورد دستمزدها بنویسم. که تحولات سوریه بوقوع پیوست و بشار اسد سقوط کرد. سقوط بشار اسد و قطع این بازوی منطقه ای جمهوری اسلامی و تضعیف شدید آن افق سرنگونی این حکومت را که در محاصره اعتراضات مردمی است در چشم انداز نزدیکتری قرار میدهد. در نتیجه این خبرها تصمیم گرفتم که افکارم را در دو یادداشت کوتاه یکی بر سر دستمزدها و دیگری بر سر تحولات سوریه روی کاغذ بیاورم. با این تاکید که تنها راه رهایی انقلاب است.

نشست تخصصی مزد ۱۴۰۴ و حرف ما کارگران

آخر سال است و جمهوری اسلامی به شیوه روتین هر ساله با سیاستهای کارگری اش در تدارم سیه روزی بیشتری به ما کارگران و بازم حداقل دستمزدی تحقیر آمیز و چندین بار زیر خط فقر را بر ما کارگران تحمیل کند.

در دو هفته گذشته، دو جلسه به عنوان "نشست تخصصی مزد ۱۴۰۴" در محل وزارت کار جمهوری اسلامی برگزار شده که هدف آن "بالا بردن توان چانه زنی شرکای اجتماعی" اعلام شده است. شرکای اجتماعی در مسئله دستمزدها در نزد جمهوری اسلامی شامل مزدوران سرمایه است که به نام کارگر اما در ضدیت تمام با کارگر، به همراه نمایندگان تشکیلاتهای چون "اتاق بازرگانی ایران، اساتید و صاحب نظران دانشگاهی" هستند. شرکایی که هر چه آموخته اند و تجربه کرده اند تماما برای ارزان کردن هر چه بیشتر نیروی کار کارگر است و در زیر یک سقف نشسته اند تا عقلهایشان روی هم بریزند که چگونه میشود، باز هم شرایط و خیم تری به کارگران تحمیل کرد.

در این دو جلسه، این شرکای اجتماعی از قول سازمان بین المللی کار (ILO) حرف آخرشان در تعیین دستمزدها را اینگونه بیان کردند: "معیارها و شاخصهای مشخصی وجود دارد که سازمان بین المللی کار بر اساس شواهد و واقعیتهای موجود، پیشنهاد داده است که این معیارها باید به گونه ای طراحی شوند که تعادلی میان نیازهای کارگران و عوامل اقتصادی برقرار کنند. به همین دلیل، ILO تاکید دارد که هیچ فرمول معجزه آسایی وجود ندارد و بیشتر بر توصیه به استفاده از شاخصها و معیارها تاکید می کند. "نماینده جمهوری اسلامی در این سازمان معتقد است: "وضعیت کشور ما در موضوع مربوط به تعیین دستمزدها مناسب است اما خوب... (!!!)؛ منظور این جناب نیز این است که همین نشست شرکای اجتماعی سرمایه زیر یک سقف و بحث کردن بر سر چند و چون تعیین دستمزدها کارگر وضعیت مناسب است! او در سخنانش عنوان رد گم کن "دستمزد معیشتی" را به کار می برد و به روایت ایشان دستمزدها معیشتی یعنی "زندگی شایسته برای فرد و خانواده اش". اما وقتی حد و مرز این مثلا "زندگی شایسته" را نمایندگان سرمایه تعیین میکنند، یعنی زندگی در حد خط بقا. دستمزدی که کارگران هرگز به آن تن نمی دهند. ایشان به سیاق همه کسانی که نگران سود سرمایه است اینگونه ادامه میدهند: "... علاوه بر این، تمرکز صرف بر حقوق کارگران و نیازهای آنها ممکن است به کاهش سرمایه گذاری، کاهش رقابت پذیری صادرات و از دست رفتن شغلها منجر شود. " و این یعنی هر چه کارگران میکشند از تقاضای نامعقولشان برای بیشتر دریافت کردن از "دستمزد معیشتی" است! و این خیلی بد است چون به زعم ایشان "رشد پایدار دستمزدها نیازمند یک تحول ساختاری و... دارد و این یک فرآیند کوتاه مدت نیست و نیازمند برنامه ریزی بلندمدت است. " همه این حرفها یعنی اینکه کارگر باید بسوزد و بسازد.

همانطور که اشاره شد قصد این بود که بار دیگر به شامورتی بازبهای نوکران سرمایه اشاره کنیم و اینکه تا وقتی قرار است چرخ روزگار برای سود سرمایه بچرخد، صاحب یک کالای معین، یعنی کارگر، تنها کسی است که در جهان سرمایه داری حق ندارد خود چگونگی ارائه و قیمت کالایش را تعیین کند. بلکه نماینده خریدار، جلسه با اساتید صاحب نظر میگذارد تا به ارزان ترین قیمت ممکن، سرمایه دار به نیروی کار دسترسی داشته باشد، و این مهم صد در صد به کمک نیروهای امنیتی و انتظامی، زندان و شکنجه و

اعدام تضمین شده باشد.

اما برای ما کارگران مساله دستمزدها روشن است. همین امروز سنگر به سنگر مقابل اعتراضات حکومت می ایستیم و با اعتراضات سراسری متحدانه خود بساط کذابی کمیته مزد و شرکای اجتماعی تعیین مزدشان را بر هم میزنیم. با تجمعات اعتراضی مان به اعتراضات مردم بر سر معیشت و رفاه گرما می بخشیم. مسئله دستمزدها یعنی چگونگی زندگی ۹۹ درصد جامعه، یعنی طلب جامعه برای منزلت و معیشت و این تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی با نیروی انقلاب مردم است که جواب میگیرد. انقلابی به پشتوانه مبارزات چند دهه گذشته به انسانی ترین شکل خود یعنی زن زندگی آزادی شکل گرفته است، باید و میتواند منجر به تشکیل حکومتی شود که توده مردم در سرنوشت خویش بطور مستقیم دخالت کنند و نگذارند که کسانی از روی شکم سیری برای مردم گرسنه "تصمیم سازی" کنند.

بشار اسد سقوط کرد

تحولات سوریه بیش از پیش حکومت اسلامی را پریشان و آشفته ساخته است. جمهوری اسلامی که در محاصره مردم به جان آمده است، و همیشه توان نیروی منطقه ای اش را به رخ ما میکشید، اکنون بازوانش قطع شده و میرود که قلب نیروی سرکوبگرش در منطقه در جنگ میان تروریستها بطور کامل از کار بیفتد. نیروهای سرکوبگرش در "حرم رقیه" دیگر نه بر سرنوشت خاندان حسین، بلکه بر سرنوشت خویش گریه میکنند.

جمهوری اسلامی در آستانه سقوط قرار گرفته است. همانطور که قبلا گفتیم شرایط جنگی این بار برایش نعمت نبود، بلکه نعمت و زحمت شد. خودش گرفتار شرایط جنگی شد. هر قدمی این حکومت برمیدارد به ضد خودش تبدیل میشود.

هر حکومت دیکتاتوری ای که به هزیمت می افتد از این قاعده مستثنا نبوده است، اما این قاعده بر متن تحولات واقعی و زمینی رخ میدهد؛ آنهم انقلاب زن زندگی آزادی است. مهمترین علتی که سیاستهای حکومت اسلامی را یکی پس از دیگری به شکست می کشاند.

فعالین کمونیست و چپی که واقعا میخواهند کاری کنند، لطف کنند دست از هشدار دادن و ترساندن بردارند. من فکر میکنم در تاریخ کمونیسم تا کنون، این برای اولین بار است که کسانی خودشان را کمونیست میخوانند کارشان نه سازماندهی اعتراضات موجود، بلکه ترساندن فعالین این اعتراضات قرار داده اند. آنچه در خاورمیانه میگذرد، گوشه ای از بحران ساختاری نظام سرمایه داری در حال حاضر است و راه برون رفت از این وضعیت نزد ما کمونیستهاست. برای این مهم بیش از هر چیزی باید به نیروی جنبش طبقه کارگر باور داشته باشند، که خود را بخشی از این جنبش بدانند.

دنیا فقط محل جولان دادن امثال خامنه ای، ناتانیاهو، اردوغان، ترامپ و پوتین نیست که نتیجه سیاستهایشان به قدرت رسیدن نیروهای ویرانگر مدنیت و تمدن بشری است. بلکه اینجاست، در ایران نیرویی هست که جواب انسانی به معضلات امروز بشری که نتیجه کارکرد نظام سرمایه داری است را دارد.

در این شرایط خطیر که سقوط جمهوری اسلامی هر دم قطعی تر میشود، و صدای پای "انقلاب گرسنگان" هر دم رساتر میشود، ما کارگران، و کمونیستها به مثابه نمایندگان گرایش سوسیالیستی طبقه کارگر آمادگی خود را باید بیشتر کنیم تا به مردم در منطقه خاورمیانه، و جهان نشان دهیم، جواب انسانی و شرافتمندانه، با اتکالی به جنبش وسیع و قوی چپ اجتماعی به بحرانهای موجود وجود دارد.



مقدر خدا این بود که بشار اسد سرنگون شود!

مهران محبی

بعد از ۱۰ روز حمله مخالفان مسلح اسد، سرانجام شنبه شب هفدهم آذر حکومت بشار اسد سرنگون شد. جدا از اینکه در میان گروه های مسلحی که باعث سقوط دولت سوریه شدند، گروه های اسلامی قدرت و توان بیشتری دارند و معلوم نیست که چه وقایعی در جامعه آن کشور رخ دهند، سقوط بشار اسد ضربه سنگینی بر پیکر رژیم جمهوری اسلامی است و موجب شادی مردم شد.

با شروع سرکوب خونین انقلاب سوریه جمهوری اسلامی طی ۱۳ سال یعنی از سال ۲۰۱۱ و بنابر اعتراف خود سران اش ۳۰ میلیارد دلار (با مقایسه نرخ امروز دلار با تومان، دو هزار تریون تومان) برای حفظ همپیمان و متحدش اسد از دسترنج و ثروت های مالی متعلق به عموم مردم ایران هزینه کرد تا محور موسوم به "مقاومت اسلامی" را تقویت و گسترش دهد. و در منطقه خون ریخت تا در ازای آن بتواند در داخل خود را به عنوان مقتدر بر سرکوب هر اعتراضی به رخ مردم بکشد.

و اکنون این حکومت بعد از تحمل شکست ها و از دست دادن بخش اعظمی از گروه های تروریستی اش در لبنان و غزه و ذلیل و ناتوان شدنش در برابر هر حمله نظامی دیگری، در مدت ده روز گذشته که پی در پی حلقه محاصره بر بشار اسد توسط مخالفان اش تنگ تر می شد، کاری از دست اش بر نیامد و در روزهای آخر تنها به یک نظاره گر مرگ یکی دیگر از متحدان خود تبدیل شد.

جمهوری اسلامی از روز جمعه ۱۶ آذر، زیر فشار پیشروی های مخالفان اسد اقدام به خروج اضطراری مزدوران سپاه تروریستی قدس کرده و رسماً جنگ را به مخالفان اسد باخت و به گفته عراقچی وزیر امور خارجه که در منطقه برای متوقف کردن پیشروهای مخالفان مسلح اسد از طریق دیپلماسی مشغول بود، تسلیم مقدر خدا شد و عملارهایش کرد.

عراقچی اولین کسی بود که شکست حکومت را اعلام و در رابطه با سرنوشت اسد چنین گفت: "ما پیشگو نیستیم و هر آنچه که مقدر خدا باشد پیش می آید" و اتفاقاً مردم ایران بر حسب تجاربی که از این نحوه بیان ذلالت ها و وضعیت "کار از کار گذشته گی های" حکومت دارند، بلافاصله به سرنگونی قطعی بشار اسد ایمان آوردند. درست مثل زمانی که پزشکان معالج، از زنده ماندن خمینی قطع امید کردند و شاید هم مرده بود، سران رژیم از مردم خواستند برای زنده ماندن او دعا کنند و برای مرگ های مشکوک احمد خمینی، رفسنجانی و رئیسی نیز از همین ترندها استفاده کردند.

به این ترتیب جمهوری اسلامی که مدعی اسلامی کردن و مدیریت جهان از کانال نابودی اسرائیل و شکست دادن شیطان بزرگ (آمریکا) بود، امروز پال و کوپالش به کلی ریخته و به گوشه ای افتاده است. رژیم می که سوریه برایش از خوزستان مهمتر بود و به گفته طائب رئیس وقت قرارگاه عمار که آزمان می گفت: "اگر سوریه از دست برود تهران هم از دست خواهد رفت" (منظورش این بود که در هیچ شرایطی نباید از حمایت از بشار اسد دست کشید و باید تا آخرین نفر و آخرین نفس در کنارش ایستاد)، حالا برای خارج کردن بقایای تروریست هایش از سوریه دست به دامان تحریر شام و دیگر گروه های مسلحی شده که تا دیروز آنها را تروریست می نامید و امروز با ذلالت معارضان مشروع شان می نامد، تا امنیت شان را تأمین کند.

لحن حکومت نیز نسبت به "دشمنان استراتژیک و ایدئولوژیک خارجی" اش نیز شروع شده است. خامنه ای دیگر نمی تواند مانند گذشته از استراتژی محور مقاومت و مکتب و از وعده خدا برای پیروز گرداندن مسلمین بر کفار و دشمنان حرف بزند و صفوف به هم ریخته اعوان و انصارش را انسجام ببخشد. به یک معنای معین و کلی،

رژیم در منطقه به کلی شکست خورده و دیگر افق و روزنه ای برای بازسازی و بازیابی موقعیت از دست رفته اش نمی بیند و با کابوس اصلی از دست دادن تهران چنگ در گریبان است.

بن بست و دشمن جمهوری اسلامی در داخل است و کل تنش ها و رویارویی های منطقه ای و بین المللی با دولت ها و قدرت ها بر مبنای این دشمنی در داخل و یافتن مجال و توان برای مقابله با آن بوده است. رژیم همچنانکه پیشتر در جنگ هشت ساله جام زهر سر کشید و در برابر فشارهای اتمی نرمش قهرمانانه کرد و همین دیروز تسلیم مقدر خدا شد، ظرفیت های بالائی در بکارگیری خدعه و حقه بازی اسلامی برای تسلیم در برابر فشارهای منطقه ای و بین المللی دارد و در آنصورت دولتها نیز با جمهوری اسلامی رام شده کنار خواهند آمد.

اما در داخل هیچ شانسی برای بقاء حکومت باقی نمانده است. دشمنی جامعه با رژیم از جنس اختلافات با قدرت های خارجی نیست، بلکه یک دشمنی از نوع پایه ای و بنیادی است که تنها با سرنگونی جمهوری اسلامی خاتمه خواهد یافت و با هر شکست رژیم در منطقه، جبهه مردم قویتر و مصمم تر می شود.

جمهوری اسلامی در نزاع های منطقه ای و تقابل های بین المللی، در مقابل طرف های درگیر قرار دارد و می تواند با تسلیم شدن و امتیاز دادن به عقب برگردد و خود را نجات دهد، ولی در برابر مردمی که می خواهند سرنگوش کنند، راه بازگشتی ندارد و به قول "سعید محمد" فرمانده سابق قرارگاه خاتم النبیا، روی میدان مین حرکت می کند.

اگرچه این هشدار را "سعید محمد" به پزشکیان در رابطه با افزایش قیمت بنزین داده بود، ولی این واقعیت موقعیت کلی حکومت را در داخل بیان می کند و در اصل هشدار به همه سرانش است.

خودشان می دانند که ده ها سال هزینه های سرسام آور برای سازماندهی و تقویت تروریسم اسلامی در لبنان، فلسطین، سوریه، عراق و یمن و حتی در ونزوئلا برای برقراری روابط نقل و انتقال قاچاق کرده اند و حاصل آن از نظر اقتصادی و معیشتی برای مردم ایران فقر، گرسنگی، حقوق های ۵ برابر زیر خط فقر و ده ها و صدها بلای دیگر بوده است. می دانند که باعث چه میزان از خشم و نفرت عمومی نسبت به خود شده اند و مردم تا جaro کردن کلیت حکومت جنایتکار از جامعه دست بردار نیستند. در نتیجه حالا که هزینه های صدها میلیارد دلاری برای حفظ بقاء از طریق سازماندهی و تقویت تروریست های اسلامی و تشکیل محور مقاومت اسلامی را از دست رفته می بینند، به سرنگونی خود می اندیشند که ممکن است خیلی زود با هر پا را کج گذاشتی بر این میدان مین اتفاق بیافتد.

روند اعتراضات در داخل علیه جمهوری اسلامی و روحیه باختگی و درماندگی در صفوف حکومت به دنبال شکست به گفته خودشان "عمق راهبردی" در سوریه که حتی به تغییر لحن سران رژیم نسبت به دشمنان ایدئولوژیک تا دیروز خود منجر شده است، مدت زیادی حکومت را در انتظار سرنگونی نگه نخواهد گذاشت.

کارگران در هفته ای که گذشت تتظیم کننده کارگر کمونیست



دوشنبه ۱۹ آذر:

- بازنشستگان مخابرات در شهرهای اصفهان، شیراز، تبریز، تهران، زنجان، کرمانشاه، ساری، بیجار، سنندج، ارومیه، همدان، اهواز تجمع و پیگیری مطالباتشان شدند.

- جمعیت کثیری از بازنشستگان معلم ۱۴۰۰ از نقاط مختلف کشور در اعتراض به سطح نازل حقوقها و با خواست اجرایی شدن رتبه بندی و پرداخت مطالبات معوقه خود مقابل مجلس اسلامی تجمع و راهپیمایی کردند.

یکشنبه ۱۸ آذر:

- بازنشستگان کشوری و فولاد به روال یکشنبه های هر هفته در چندین شهر تجمع کردند این تجمعات در شهرهای کرمانشاه، اهواز و شوش در مقابل تامین اجتماعی و در اصفهان و مقابل صندوق بازنشستگی برگزار شدند.

شنبه ۱۷ آذر:

- کارگران بخش های مختلف شهرداری طبرس در اعتراض به چند ماه معوقات مزدی خود مقابل ساختمان شهرداری تجمع اعتراض برگزار کردند. این کارگران دو ماه حقوق مهر و آبان و سه ماه اضافه کاری تیر، مرداد و شهریور را طلب دارند. این چندمین بار است که این کارگران تجمع میکنند و آخرین آن در چهارشنبه ۱۴ آذر برگزار شد.

- کارگران کارخانه "سیستم های صنعتی" در تاکستان در اعتراض به عدم پرداخت سه ماهه دستمزد و هشت ماه بیمه دست به تجمع زدند.

- بازنشستگان معلم سال ۱۴۰۰ برای پیگیری مطالبات خود مقابل مجلس اسلامی تجمع و راهپیمایی کردند. اعتراض این بازنشستگان به سطح نازل حقوقها و وضع بد معیشتی و بی پاسخ بودن مطالباتشان است و خواست فوری آنها اجرای قوانین مصوب در زمینه حقوق و مزایا که باعث افزایشی در مزدشان میشود است. در این تجمع اعتراضی جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان معلم گرد آمده بودند.

جمعه ۱۶ آذر:

- کارگران رسمی نفت در شرکت نفت فلات قاره در منطقه سیری در ادامه اعتراضاتشان تجمع کردند و پیگیری مطالباتشان شدند. خواستهای کارگران رسمی سراسری است و اهم این مطالبات این کارگران عبارتند از: حذف کسورات ناعادلانه و پرداخت کامل حقوق مزایای قانونی که موجب بی انگیزگی گسترده در منابع انسانی گردیده - حذف سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات - مرجوع نمودن مالیات های اخذ شده طبق قوانین موجود - اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت کامل بک پی آن - عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق های ورشکسته

پنجشنبه ۱۵ آذر:

- ۱۵ کارگر فصلی مزرعه بر اثر واژگونی یک دستگاه خودرو وانت نیسان در مسیر شوشتر به گتوند مصدوم شدند. در این سانحه ۱۳ مرد و ۲ زن در مسیر سه راهی

شوشتر به سمت شهرستان گتوند مصدوم شدند. جاده های ناامن و استفاده از خودروی غیر استاندارد هر روز قربانی میگیرد.

چهارشنبه ۱۴ آذر:

- بازنشستگان نفت در اهواز برای چندمین بار در مقابل درب صندوق بازنشستگی صنعت نفت این شهر تجمع کردند. اعتراض این بازنشستگان به بدتر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی خود و اختلاسگری از صندوق بازنشستگی و بی پاسخ ماندن مطالباتشان است. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان شعار میدادند: "بازنشسته به پا خیز علیه ظلم و تبعیض"، و "اینهمه بیعدالتی هرگز ندیده ملتی".

- آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی در شادگان با شعار "استخدام حق مسلم ماست"، "نه لایحه نه تبصره، استخدامی حق من است" تجمع کرده و خواستهایشان را پیگیری کردند.

- مالباختگان در شهرهای مختلف بوده ایم. بخاطر بساط دزدسالار حاکم در ایران جنبش مالباختگان جنبشی گسترده است که کل حاکمیت را به چالش میکشد. در این روز در شهر دزفول مالباختگان شرکت «نیوساد گستر ایرانیان» (مجتمع تجاری گلباران دزفول)، در اعتراض به بالا کشیدن سرمایه خود توسط مالکان شرکت که دو پاسدار بازنشسته به نامهای محمد حسین و احمد دهقانزاده هستند، در برابر ساختمان شرکت تجمع کردند و شعار میدادند: "تا حق خود نگیریم، آرام نمی نشینیم!"

- در قزوین مالباختگان شرکت رضایت خودروی طراوت نوین، همزمان با برگزاری چهارمین نشست دادگاه این پرونده در برابر ساختمان دادگستری تجمع داشتند.

سه شنبه ۱۳ آذر:

- در سیرجان (استان کرمان) مالباختگان شرکت خودروی گهر خرید در برابر دفتر شرکت تجمع کرده و به کلاهبرداری و بالا کشیدن اندوخته هایشان با خشم اعتراض کردند. "شعار یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه" شعار اعتراضی مشترک در تجمعات بازنشستگان، معلمان، کارگران و بخش های مختلف مردم است.

- کارگران ارکان ثالث شاغل در شرکت پالایش گاز جم در ادامه اعتراضاتشان دست به اعتصاب زدند و با تجمع در مقابل درب ورودی شرکت پیگیری مطالبات اعلام شده خود شدند. این کارگران مدتهاست که در اعتراض به شرایط کاری و دستمزدها و دریافتی های نازل و غیر عادلانه خود در حال اعتراض و اعتصابند. افزایش دستمزدها و حذف پیمانکاران دو خواست هم آنهاست. مطالبات فوری این کارگران عبارتند از: - حذف شرکت های پیمانکاری، طرح طبقه بندی مشاغل، اجرای طرح اقماری، همسان سازی حقوق و دستمزد و استفاده از رفاهیات شرکت و توجه به



علیه اعدام جنبشی قدرتمند و سیاسی در ایران

سوال از شهلا دانشفر

کیوان جاوید: ارزیابی شما از جنبش علیه اعدام در داخل ایران چیست. حرکت‌های خود جوش اعتراضی یا پیش روی به سوی سازمانیابی؟

شهلا دانشفر: جنبش علیه اعدام یک جنبش قدرتمند سیاسی در ایران است. بعد از سرکوب اعتراضات خیابانی در جریان انقلاب زن زندگی آزادی، حکومت با سرعت بخشیدن به ماشین سرکوبش و افزایش اعدام‌ها کوشید جامعه را عقب بزند و دستاوردهای مبارزات مردمی را بازپس بگیرد. جامعه ایستاده و اجازه نمی‌دهد و امروز بطور واقعی جنبش علیه اعدام نمادی از صف متحد سراسری مردم علیه حکومت و برای تداوم انقلاب است.

این جنبش به هیچوجه خود بخودی نیست و با گفتمان‌هایی چون اعدام قتل عمد دولتی است. اعدام تحت هر عنوانی ممنوع، تمامی احکام اعدام باید لغو شود و با خواست توقف فوری اعدام‌ها بسیار متعین است. این جنبش هر روز سازمانیافته تر شده و یک کانون داغش زندان‌هاست. بند زنان اوین که فریاد رسای زن زندگی آزادی است. زندان‌ها که اساساً برای سرکوب جامعه سازمان یافته‌اند. کارزار "سه شنبه‌های نه به اعدام" از زندان‌ها و از قزلحصار با بیشترین اعدام‌ها، سر بلند کرد و به مرکز ثقل این جنبش در جامعه تبدیل شد و صدایش جهانی شده و دامنه‌اش به ۲۵ زندان کشیده شده است. همراه با این کارزار، تظاهرات خانواده‌های محکومین به اعدام را داشتیم که با فریاد "اعدام نکنید" به خیابان آمدند. آخرین اتفاق مهم نیز شکل گرفتن نهادی به اسم "اعدام نکنید" است که در همبستگی با سه شنبه‌های نه به اعدام و اعتراضات خانواده‌های محکوم به اعدام اعلام موجودیت کرد.

از سوی دیگر نهادها و تشکل‌های مختلف کارگری و اجتماعی یک پایه مهم جنبش

علیه اعدام‌ها هستند و این اعتراض همواره خود را در بیانیه‌های اعتراضی آنها در مناسبت‌های مختلف بازتاب می‌دهد. نمونه‌های بیانیه‌های آنان به مناسبت شانزده آذر روز دانشجو و به مناسبت روز جهانی منع خشونت علیه زنان است. یک تأکید فوری همه اینها لغو احکام اعدام و ریشه مرادی، پخشان عزیزی، عباس دریس و جوانان اکباتان و کسانی است که خطر اعدام تهدیدشان می‌کند.

بالاخره اینکه جنبش علیه اعدام کارزاری جاری است. طومارهای متعددی در حمایت از پخشان، وریشه و جوانان اکباتان جریان دارد و در دیوار خیابان‌ها با شعار نه به اعدام پر است. دانشگاه‌ها کانون‌های اعتراضی علیه اعدام‌ها هستند و اعتراض علیه اعدام به شعار کف خیابانی از جمله شعار مبارزاتی بازنشستگان در روزهای مختلف هفته تبدیل شده است.

این روند نشان‌دهنده ابعاد سازمانیافته این جنبش است. به جنبش علیه اعدام در ایران باید به عنوان اعتراضی برای تداوم انقلاب زن زندگی آزادی نگاه کرد تا مکان واقعی اش را دید. در عین حال جنبش علیه اعدام بُعد انسانی و امیدبخش انقلاب در ایران که زندگی را فریاد می‌زند نمایان تر می‌کند. همه ما خود را عضو این جنبش بدانیم.

(مندرج در ژورنال شماره ۹۰۷)

کارگران در هفته ای که گذشت...

از صفحه ۶

خواسته های رانندگان اتومبیل‌های استیجاری.

- بازنشستگان کشوری در کرمانشاه با فراخوانی از قبل اعلام شده همچون سه شنبه های گذشته مقابل صندوق بازنشستگی کشوری همراه با بازنشستگان تامین اجتماعی و مخابرات در اعتراض به بی پاسخ ماندن مطالبات خود تجمع کردند. در این تجمع حضور زنان چشمگیر بود.

- پرسنل نیروگاه توس مشهد در اعتراض به عدم تسویه معوقات مزدی کارگران و نیز عدم تبدیل وضعیت کارگران شرکتی بر اساس بخشنامه های وزارت نیرو از سال ۱۴۰۰ تا کنون دست به تجمع زدند.

- پرستاران در قم نیز در ادامه اعتراضات گسترده پرستاران در شهرهای مختلف با فریاد شعار "پرستار نباشه، سیستم از هم میپاشه" پیگیر مطالباتشان شدند. خواسته‌های پرستاران سراسری است و مطالبات فوری آنها عبارتند از اصلاح حکم متناسب با

تورم، برقراری فوق العاده خاص با ضریب ۳ و گنجاندن آن در حکم، اجرای دقیق تعرفه پرستاری، اجرای مقررات مشاغل سخت و زیان آور، ممنوع اعلام کردن اضافه کار جهت ارتقاء کیفیت خدمات رسانی نیروی انسانی، و ایجاد امنیت شغلی. از خواسته‌ها و مطالبات پرستاران وسیعاً حمایت کنیم.

دوشنبه ۱۲ آذر:

- بازنشستگان مخابرات با شعارهای اعتراضی شان علیه فقر و بی‌تامینی و اختلاسگری های حاکم پیگیر مطالباتشان شدند. این تجمعات در این هفته در شهرهای تهران، سنندج، کرمانشاه، بیجار، رشت، اهواز، تبریز، زنجان، شیراز، ارومیه، همدان، میوان، بروجرد و اصفهان برگزار شدند.

- کارگران ابنیه فنی کرمان صدای اعتراض خود را علیه وضع بد کاری و معیشتی بلند کردند. بنا بر خبر ها در این محدوده ریلی حدود ۴۰۰ کارگر مشغول کارند که پیمانکار حدود ۱۰ سال است که به کارگران حق سنوات پرداخت نکرده است.

- متقاضیان طرح مسکن ملی در سنندج در اعتراض به وعده های دروغین مدیران و مسئولین استانی برای دومین بار در طول چندماه گذشته با تجمع خود درب ورود و خروج اداره کل راه و شهرسازی. را مسدود نمودند.



تلگرام: @wpi_tamas

۰۰۴۴۷۴۳۵۵۶۲۴۶۲

tamas.wpi@gmail.com

به حزب کمونیست کارگری

پیوندید!



جامعه پیشرو، حاکمیت آچمز - حمید دائمی

با آغاز جنبش انقلابی مهسا، مصاف ها و رویارویی مردم با حکومت در عرصه های مطالبات صنفی - معیشتی، سیاسی و اجتماعی رخ داده است. رودررویی های اخیر مردم بر سر نفی قوانین و "شعائر" حاکمیت ارتجاع کثیف اسلامی یک وجه شورانگیز این رودررویی است.

خصلت عمومی جنبش انقلابی زن زندگی آزادی، متحد کننده، تعرضی و رو به جلو بودن (آوانگارد) آن و خصلت دیگر آن زنانه بودن یا بعبارتی پیشگامی زنان در این خیزش انقلابی است که بی وقفه جلودار و پیشرو این صفوف هستند. اما صف بندی تمام قد همه جنبش های پیشرو و انقلابی در مقابل تبعیض و نابرابری، حاصل پیشروی ها و دستاوردهای با ارزش این جنبش انقلابی است که در بزننگاه های مختلف خودنمایی می کند. دو مورد اخیر مثال های بارزی برای اثبات این ویژگی های انقلابی است.

اولین اتفاق، با نزدیک شدن به روز جهانی مبارزه با خشونت علیه زنان، موج عظیمی از اعتراضات مجدد به رسوم و موازین دنیای مردسالار و ضد زن سرمایه، در قالب بیانیه های فردی و جمعی و به وسعت سرتاسر جامعه آغاز و همه ابعاد ساختار نابرابر و تبعیض آمیز را به مصاف طلبید. نکته قابل توجه در این اعلام مواضع و برخوردها، سویه رادیکال و انقلابی به مسئله خشونت علیه زنان بود.

اولا عمدتاً، خشونت علیه زنان را محدود به خشونت های فیزیکی و جنسی ندانسته و صورت های دیگر خشونت، که عمدتاً ریشه در تبعیض جنسیتی و نابرابری مناسبات حاکم دارد را نشانه گرفتند. ثانيا علت این خشونت ها و بی حقوقی زنان را از زاویه مناسبات تبعیض آمیز و نابرابری سرمایه حاکم پرداخته و خواهان رفع این نابرابری و تبعیض که ریشه همه خشونت ها و محرومیت ها در جامعه است، شدند و تاکید می بر لغو آپارتاید جنسی داشت. این موج مواضع رادیکال، قدرت عرضه اندام را از جریانات راست ربود و شمای چپ و انقلابی از جامعه برجا گذاشت.

در همین اثنا، حاکمیت دزدان اسلامی، با تصویب قانون موسوم به "حجاب و عفاف" آخرین حربه خود را به معرض دید جامعه گذاشت و از آنروز تاکنون، تقریباً نمایندگان همه اقشار و طبقات جامعه، پر قدرت و با صلابت در مقابل این آخرین

تعرض رژیم ارتجاعی جنایتکاران به میدان آمدند. تصویب این قانون صف طویلی از مبارزان و مخالفان جنایتکاران حاکم را در معرض دید جهانیان قرار داد. این مصوبه به لحاظ مضمون، آخرین درجه دنائت و ارتجاع حاکم را به نمایش گذاشت. در این بیانیه کل بساط آپارتاید جنسی و ابعاد جنایتکارانه آن صحبت شد. در این بیانیه تصویب بیانیه نه تنها تعرض به زنان که تعرض به کل جامعه و حقوق و آزادیهای فردی و کودکان دانستند و آنرا از پایه و اساس مردود دانستند. نکات قابل توجهی در این اعتراضات به چشم می خورد که مرور آنها خالی از لطف نیست.

مهم ترین نکته در اعتراضات به این قانون، مقابله با واپس گرایی و تلاش رژیم و مجلس دزدان اسلامی، جهت بازگرداندن جامعه به عقب و بخصوص به قبل از خیزش انقلابی زن زندگی آزادی است. از طرفی بیانگر پیشرفت و دست آوردهای این دوره است؛ که مبارزه هر روزه برای انتخاب پوشش و مقابله با "حجاب اجباری" یکی از این سنگرهای مهم است. و عمدتاً این دست و پا زدن ها را عیب و از سر استیصال رژیم قلمداد کرده و با شعار "ما به عقب بر نمی گردیم" پاسخش را دادند. این ثابت قدمی و دفاع از دست آوردهای "خیزش انقلاب زنان"، نقطه عطف این موضع گیری هاست و نشانگر عزم جامعه برای به پیروزی رساندن این مدرن ترین انقلاب عصر حاضر است.

یکی دیگر از جنبه های اعتراضات به این قانون، مقابله با به جان هم اندازی اقشار مختلف جامعه و سوء استفاده از موقعیت حاصل از آن است. جالب آن که کسی شک نکرد که این ترند، نه تنها ایجاد "جنگ زرگری"؛ که "گل آلود کردن آب" برای سرپوش گذاشتن بر خرابی ها و بحران های شرایط حاضر است.

نقد جنبه های تعرض به کودکان و اعمال و تکثیر تبعیض علیه کودکان دختر، یکی دیگر از مواردی است که در این قانون تصریح شده و جامعه انقلابی، به هیچ معنا آن را نخواهد پذیرفت. رادیکالیسم و انسان گرایی عمیق، سال هاست در میان مردم رواج دارد و تنها مانع قالب شدن آن، مناسبات و ابزار سرکوب و سدهای حکومتی در مسیر آن است. اعتراض بر سر این وقاحت رژیم کثافات حاکم، از جمله مواضع انقلابی و نشاندهنده گذر جامعه از تمامی مناسبات عقب مانده ضد زن و ضد کودک رژیم دزدان اسلامی است و درصدد پس زدن همه اجزاء ارتجاع حاکم است.

آخرین نکته اینکه فشار این اعتراضات به حدی بالا بود که بسیاری از "خودی هایشان" زبان به اعتراض گشودند و آن را خلاف "قانون اساسی جمهوری اسلامی" خوانده و غیر قابل اجرا دانسته و خواهان عدم اجرایش شدند. مجموعه این اتفاقات محتوم بودن شکست این مصوبه را بعنوان یک گام مهم در پیشروی انقلاب زن زندگی آزادی به نمایش میگذارد. موج اعتراضی گسترده علیه قانون حجاب و عفاف جمهوری اسلامی همچنین نشانی از تداوم انقلاب زن زندگی آزادی و تلاش کل جامعه برای حفظ دستاوردهای انقلابش است. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی.

حمید دائمی - کارگر کارگاهی

شعارهایی از اعماق جامعه

مرگ بر حکومت جنگ افروز	زن زندگی آزادی
جنگ افروزی کافیه، سفره ما خالیه	نه به اعدام! اعدام نکنید!
اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد!	سلام بر آبان! آبان ادامه داره.
جنگ افروزی را رها کن، فکری به حال ما کن	فقر فساد گرونی میریم تا سرنگونی
حکومت جنگ افروز نمیخوایم نمیخوایم	دزدی های نجومی، فلاکت عمومی
دشمن ما همینجاست دروغ میگن آمریکاست	ایستاده ایم تا پایان!
موشک پرانی کافیه، سفره ما خالیه	جمهوری اسلامی نابود باید گردد
نه به حکومت آپارتاید جنسی و جنسیتی	زندانی سیاسی آزاد باید گردد
۲۵ نوامبر: "روز جهانی منع خشونت علیه زنان"	



به گزارش رسانه‌های دولتی در جریان این زمین لرزه ها دست کم ۲۹ نفر زخمی و ۳۳ خانه آسیب دیده است. این درحالیست که محمدحسین سرمست، رئیس دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز گفت که گزارشی از مصدومیت شدید و فوتی نداشته‌اند. این ۳۳ خانه در منطقه کلگیر مسجد سلیمان بوده است. همچنین در نتیجه زلزله راه دو روستا بسته شدند.

چهارشنبه ۱۴ آذر

- بازنشستگان نفت اهواز برای چندمین بار در مقابل درب صندوق بازنشستگی صنعت نفت این شهر تجمع کردند. اعتراض این بازنشستگان به بدتر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی خود و اختلاسگری از صندوق بازنشستگی و بی پاسخ ماندن مطالباتشان است. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان شعار میدادند "بازنشسته به پا خیز علیه ظلم و تبعیض"، "اینهمه بیعدالتی هرگز ندیده ملتی".

- مالباختگان شرکت «نیوساد گستر ایرانیان» (مجتمع تجاری گلباران دزفول)، در اعتراض به بالا کشیدن سرمایه خود توسط مالکان شرکت که دو پاسدار بازنشسته به نام‌های محمد حسین و احمد دهقانزاده هستند، در برابر ساختمان شرکت تجمع کردند و شعار میدادند: "تا حق خود نگیریم، آرام نمی‌نشینیم!"

- آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی در شادگان با شعار "استخدام حق مسلم ماست"، "نه لایحه نه تبصره، استخدامی حق من است" تجمع کرده و خواستهایشان را پیگیری کردند.

سه شنبه ۱۳ آذر

- مرتضی نعمتی، استاد تعلیق‌شده از دانشگاه چمران اهواز، با انتشار ویدیویی گفت: «پزشکیان در گفت‌وگوی تلویزیونی از بازگشت بسیاری از اساتید اخراجی و تعلیقی به دانشگاه خبر داده در حالی که تعداد اندکی بازگشته‌اند و همان‌ها هم با پرونده‌های جدید قضایی و سیاسی روبه‌رو هستند.»
نعمتی به دلیل اعتراض به سرکوب خیزش انقلابی، متهم به نشر اکاذیب و تبلیغ علیه نظام شده است.

دوشنبه ۱۲ آذر

- بازنشستگان مخابرات همچون دوشنبه‌های هر هفته تجمعات سراسری خود را داشتند و در این روز این بازنشستگان در اهواز نیز تجمع کرده و پیگیر مطالباتشان شدند.

از خوزستان خبر میرسد؟

۹ تا ۱۶ آذر ۱۴۰۳



کمیته سازمانده - واحد خوزستان
حزب کمونیست کارگری ایران
Worker-Communist Party of Iran

جمعه ۱۶ آذر

- میثم معزی، معاون درمان دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز با اشاره به افزایش میزان آلودگی هوا در طول ۲۴ ساعت گذشته گفته است: "حدود ۷۰۰ بیمار با علائم تنفسی و قلبی به بیمارستان‌های تابعه دانشگاه مراجعه کردند." معزی به مردم هشدار داد که در روزهای آلوده از خانه خارج نشوند، بویژه زنان باردار، کودکان، بیماران قلبی و عروقی، افراد دچار نقص ایمنی، بیماران با فشار خون بالا و بیماران مزمن تنفسی. در این شهر و بسیاری شهرهای دیگر که آنها نیز دچار آلودگی شدید هوا هستند به مردم گفته شده که از ورزش در هوای آزاد خودداری کنند و این همه تمهیدات حکومت در مقابله با خطرات زیست محیطی و هوای ناسالم در قبال مردم است.

تخریب محیط زیست بخشی از جنایت سرمایه داری است که در ایران شکل فاجعه باری بخود گرفته است و از مردم قربانی میگیرد و به زندگی و معیشت کل جامعه آسیب فراوان میرساند. آلودگی هوا و بی آبی همواره از جمله موضوعات حاد اعتراضی در خوزستان بوده است.

- هومان الماسی، زندانی سیاسی بیش از ۱۹ ماه است که بدون محاکمه و تعیین تکلیف قضایی در زندان شیپان اهواز در بازداشت به سر می‌برد. هومان در تاریخ ۲۸ مهرماه در اعتراض به بازداشت خود و بلا تکلیفی بیش از یک سال خود در زندان دست به اعتصاب زده بود. پس از این اقدام، به سلول انفرادی منتقل شد و مدتی بعد با وعده مسئولان به اعتصابش پایان داد و به بند عمومی بازگردانده شد. طبق گزارشات هومان الماسی که به بیماری کلیوی مبتلاست، از رسیدگی تخصصی پزشکی و اعزام به مراکز درمانی خارج از زندان محروم مانده است و محرومیت از دارو و درمان بخشی از شکنجه‌های سیستماتیک حکومت در زندانهاست.

هومان الماسی فروردین ماه ۱۴۰۲، توسط ماموران حکومتی بازداشت و به بازداشتگاه اداره اطلاعات اهواز منتقل شد و بعد از دو ماه با اتمام مراحل بازجویی به زندان شیپان اعزام گردید.

پنجشنبه ۱۵ آذر

به گزارش ایرنا، سخنگوی مرکز اورژانس خوزستان گفت: ۱۵ کارگر فصلی مزرعه بر اثر واژگونی یک دستگاه خودرو وانت نیسان در مسیر شوشتر به گنوند مصدوم شدند. در این سانحه ۱۳ مرد و ۲ زن در مسیر سه راهی شوشتر به سمت شهرستان گنوند مصدوم شدند. جاده‌های ناامن و استفاده از خودروی غیر استاندارد هر روز قربانی میگیرد.

- صبح این روز بیش از ۱۲ زمین‌لرزه و پس‌لرزه، برخی مناطق استان خوزستان از جمله هفتکل، مسجد سلیمان، ایذه و باغملک را لرزاند که دو مورد از آنها با قدرت بیش از ۵ بوده است.

ویدیوهای منتشرشده نشان می‌دهد که پس از وقوع زمین‌لرزه‌هایی در استان خوزستان، سقف برخی خانه‌ها در اهواز ترک خورده است.

تجمع اعتراضی کارگران رسمی در شرکت نفت فلات قاره در سیری



حزب کمونیست کارگری ایران
۱۶ آذر ۱۴۰۳، ۶ دسامبر ۲۰۲۴

روز شانزده آذر کارگران رسمی نفت در شرکت نفت فلات قاره در منطقه سیری در ادامه اعتراضاتشان تجمع کردند و پیگیر مطالباتشان شدند. خواستهای کارگران رسمی سراسری است و اهم این مطالبات این کارگران عبارتند از:

- ۱- حذف کسورات ناعادلانه و پرداخت کامل حقوق مزایای قانونی که موجب بی انگیزگی گسترده در منابع انسانی گردیده
- ۲- حذف سقف بازنشستگی و پرداخت کامل سنوات
- ۳- مرجوع نمودن مالیات های اخذ شده طبق قوانین موجود
- ۴- اجرای کامل ماده ۱۰ و پرداخت کامل بک پی آن
- ۵- عدم ادغام صندوق بازنشستگی نفت با سایر صندوق های ورشکسته

از خوزستان چه خبر...

از صفحه ۹

معاونین وی طی جلسه‌ای با مدیرگروه‌ها و دانشجویان از آنها خواسته اند که به بیمارستان‌ها بروند و به جای کادر درمان کار کنند در غیر این صورت، با آنها برخورد خواهد شد و مانع از فارغ‌التحصیلی آنان خواهند شد. همچنین گفته میشود که دانشگاه نیروهای سایر شهرستان‌های استان را نیز به واسطه‌ی شبکه‌های بهداشت و درمان شهرها دعوت به شیفت دادن در بیمارستان‌های سطح شهر اهواز کرده است.

- جمعی از کارگران نیشکر هفت تپه به دلیل به خطر افتادن امنیت شغلی خود و زمره های بازگرداندن دوباره این شرکت به بخش خصوصی در مقابل استاندارد جمع کردند. در این تجمع یکی از کارگران در مورد موضوع اعتراضشان گفت که پیام آنها در مورد امنیت شغلی شش هزار کارگر نیشکر هفت تپه است. پروسه طرح واگذاری هفته تپه و صنایع جانبی آن قرار بود در شش ماه اول انجام گیرد. اما چهار سال گذشته است که کاری صورت نگرفته است. بدنبال اعتراضاتی که داشتیم و هفت تپه به "هفت طرح" منتقل شد، موقتا آرامشی نسبی برقرار شد. حقوقها به روز شد و طرح طبقه مشاغل بدرجه ای اجرایی شد و زمین زیر کشت هفت تپه به ۵۰۰۰ هکتار افزایش یافت. و اکنون دوباره زمره بازگرداندن نیشکر هفت تپه به بخش خصوصی و ادامه چپاولگریهای قبلی است. کارگران نیشکر هفت تپه به این موضوع اعتراض دارند و خواستار امنیت شغلی و قطعی شدن واگذاری این شرکت به "هفت طرح" هستند.

جمعه ۹ آذر

- ۶۳ کارگر روزمزد فضای سبز نفت و گاز آقاجری در اعتراض به محقق نشدن وعده تبدیل وضعیت شغلی خود از سوی مسئولان وزارت نفت و شرکت ملی مناطق نفت‌خیز دست به اعتراض زدند.
واحد خوزستان - کمیته سازمانده حزب کمونیست کارگری
۱۶ آذر ۱۴۰۳، ۶ دسامبر ۲۰۲۴.

-حجت آل محمدی ، شهروند بازداشتی اهل ایذه، بیش از ۷۰ روز است که در زندان شیبان اهواز زندانی شده و تحت فشار و شکنجه قرار دارد. آل محمدی، در تاریخ ۶ آذرماه، به مدت دو روز، جهت بازجویی به یکی از سلول‌های انفرادی زندان شیبان اهواز منتقل شد. او در این بازجویی‌ها برای اعتراف اجباری، تحت ضرب و شتم قرار گرفته بود. علت بازداشت و اتهامات مطرح‌شده علیه او مشخص نیست و آزادی موقت وی نیز تاکنون میسر نشده است.

یکشنبه ۱۱ آذر

-بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد در اعتراض به مشکلات معیشتی و بی پاسخ ماندن خواسته‌هایشان در شهرهای مختلفی تجمع کردند. از جمله این بازنشستگان در شوش از شهرهای کرخه، کارون و شوش گرد آمده بودند و با فریاد شعارهای اعتراضی خود پیگیر مطالباتشان شدند. در اهواز بازنشستگان تجمع و راهپیمایی کرده و شعار میدادند "گرانی ، تورم، بلای جان مردم"، "درمان رایگان حق مسلم ماست"، "هم مجلس، هم دولت ظلم میکنند به ملت"، و "قط کف خیابان، بدست میاد حقمان". بازنشستگان فولاد نیز در اهواز تجمع داشتند.

- پرستاران بیمارستان گلستان اهواز در ادامه اعتراضات پرستاران در این شهر دست به اعتصاب زده و مقابل بیمارستان تجمع کردند.

شنبه ۱۰ آذر

- پرستاران و کادر درمان اهواز در ادامه اعتصابات و اعتراضات خود مقابل استانداری استان خوزستان در اهواز تجمع کردند و به شرایط نابسامان شغلی و حقوقی خود اعتراض کردند. این در حالیست که دانشگاه علوم پزشکی جندی شاپور اهواز، برخلاف وعده‌های قبلی خود برای پایان دادن به اعتصاب، به روش‌های دیگری برای عقب زدن اعتصاب روی آورده است. از جمله ریاست دانشگاه و

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم
(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

KANAL JADID
کانال جدید



۱۸ آذر: تجمعات بازنشستگان تامین اجتماعی و فولاد

در چندین شهر

"نه جنگ میخوایم نه کشتار، رفاه میخوایم ماندگار"

امروز ۱۸ آذرماه بازنشستگان کشوری و فولاد به روال یکشنبه های هر هفته در چندین شهر تجمع کردند این تجمعات در شهرهای کرمانشاه، اهواز و شوش در مقابل تامین اجتماعی و در اصفهان و اهواز مقابل صندوق بازنشستگی برگزار شدند. بازنشستگان در کرمانشاه با فریاد شعارهایشان اعتراض خود را به لایحه تعرضی بودجه، به جنگ افزوری های حکومت، به سرکوبها و به فقر، گرانی، بی تامينی و اختلاسگریها اعلام داشتند. این بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "تجمع، اعتراض، حق مسلم ماست"، "انگل زاده امریکاس، تورمش مال ماست"، "بودجه بندی دولت، بلای جان ملت"، "نه جنگ میخوایم نه کشتار، رفاه میخوایم ماندگار"، "کشوری، لشکری، تامین اجتماعی اتحاد، اتحاد"، "مخابرات، فولادی، اتحاد اتحاد"، "رنج مارنج ما، غارت دسترنج ما"، "معلم زندانی آزاد باید گردد کارگر زندانی آزاد باید گردد"، "دانشجوی زندانی آزاد باید گردد"، و "بازنشسته بیدار است، از تبعیض بیزارست".

بازنشستگان تامین اجتماعی در شوش که مثل هر هفته از شهرهای کرخه، هفت تپه و شوش گرد آمده بودند در این روز دست به تجمع و راهپیمایی زدند. در این تجمع بازنشستگان با سخنرانی خود از مطالباتشان سخن گفتند و شعارهای اعتراضی شان را سر دادند. این بازنشستگان شعار میدادند "بازنشسته داد بزن، حقوق فریاد بزن"، "تورم اسفبار، حاکم شده تو بازار"، "حقوق نصفه نیمه، سکوت کنی همینه"، "گرانی تورم بلای جان مردم"، "کشور پردرآمد چه بر سر تو آمد"، "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون"، و "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم".

در اهواز مثل هر هفته تجمع با شکوهی برگزار شده و بازنشستگان شعار میدادند: "بازنشسته پیا خیز برای رفع تبعیض!"، "بازنشسته داد بزن، حقوق فریاد بزن!"، "بازنشسته، اتحاد اتحاد!"، "دشمن ما همین جاست، دروغ میگن آمریکاست!"، "کو مهار تورم، دروغ نگید به مردم!"، "گرانی، تورم، بلای جان مردم"، "ما میگیم حقوق کمه، گوشت-رو گرونش میکن!!"، "ما میگیم حقوق کمه، آب-رو گرونش میکن!"، "ما میگیم حقوق کمه، برق-رو گرونش میکن!"، "ما میگیم حقوق کمه، گاز رو گرونش میکن!"، "حسین حسین شعارشون، دروغ و دزدی کارشون!"، "پزشکیان حیا کن، ریاست رو رها کن!"، "پزشکیان، استعفا، استعفا!"، "گرانی، تورم، ب لای جان

مردم!"، "روسری رو رها کن، تورم رو مهار کن!"، "جنگ افزوری کافیه، سفره ما خالیه!"، "درمان رایگان حق مسلم ماست!"، "معیشت، منزلت، سلامت، حق مسلم ماست!"، "اتحاد، اتحاد، علیه فقر و فساد!"، "شکری، کشوری، تامین اجتماعی، اتحاد-اتحاد!"، "معترض زندانی آزاد باید گردد!"، "کارگر زندانی، آزاد باید گردد!"، "معلم زندانی، آزاد باید گردد!"، "فقط کف خیابون بدست میاد حقمون!"،

در آخر نیز این بازنشستگان با خواندن سرود "زیر بار ستم نمیکنیم زندگی جان فدا میکنیم در ره آزادی" صدای اعتراضشان را علیه توحش و بربریت حاکم بلند کردند.

در این تجمع اعتراضی بنرهایی با نوشته های "لشکری، کشوری، تامین اجتماعی، اتحاد اتحاد"، "درمان رایگان"، "شاغل و بازنشسته اتحاد اتحاد" درخشش داشت.

در اصفهان بازنشستگان فولاد با تجمع و راهپیمایی و فریاد شعارهای "پول نداره این دولت برای بازنشسته، تمام پول ملت، برای اختلاسه!"، "تا حق خود نگیریم از پا نمی نشینیم"، بازنشسته داد بزن حقوق فریاد بزن، صحنه با شکوهی از اعتراض ایجاد کردند و خودروها با بوق زدن به آنها اعلام حمایت میکردند.

شعارهای اعتراضی بازنشستگان فریاد اعتراض همه مردم است و این اعتراضات شایسته وسیعترین حمایت هاست.

همچنین اعتراضات در مراکز مختلف کارگری گسترده است. روز گذشته هفدهم آذر کارگران بخش های مختلف شهرداری طبس در اعتراض به چند ماه معوقات مزدی خود مقابل ساختمان شهرداری تجمع اعتراض برگزار کردند. این کارگران دو ماه حقوق مهر و آبان و سه ماه اضافه کاری تیر، مرداد و شهریور را طلب دارند. این چندمین بار است که این کارگران تجمع میکنند و آخرین آن در چهارشنبه ۱۴ آذر برگزار شد. در این روز همچنین کارگران کارخانه "سیستم های صنعتی" در تاجکستان در اعتراض به عدم پرداخت سه ماهه دستمزد و هشت ماه بیمه دست به تجمع زدند.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۸ آذر ۱۴۰۳، ۸ دسامبر ۲۰۲۴

تجمع بازنشستگان معلم ۱۴۰۰ و دانشجویان دانشگاه آزاد علوم پزشکی

برگزار شد. در این حرکت اعتراضی دانشجویان با فریاد شعارهایشان دست به راهپیمایی زدند. تظاهرات دانشجویان در اعتراض به افزایش سرسام آور شهریه ها در تهران و کرمان و... همچنان ادامه دارد.

جنبش بر سر معیشت و رفاه بخش های مختلف جامعه را در بر گرفته است. "اتحاد اتحاد، علیه فقر و فساد" شعار متحده کننده این اعتراضات است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۷ آذر ۱۴۰۳، ۷ دسامبر ۲۰۲۴

روز شنبه ۱۷ آذر بار دیگر بازنشستگان معلم سال ۱۴۰۰ برای پیگیری مطالبات خود مقابل مجلس اسلامی تجمع و راهپیمایی کردند. اعتراض این بازنشستگان به سطح نازل حقوقها و وضع بد معیشتی و بی پاسخ بودن مطالباتشان است و خواست فوری آنها اجرای قوانین مصوب در زمینه حقوق و مزایا که باعث افزایشی در مزدشان میشود است. در این تجمع اعتراضی جمعیت قابل توجهی از بازنشستگان معلم گرد آمده بودند و شعار میدادند:

"مجلس خیانت میکنند، دولت حمایت میکند"، "قالیباف حیا کن، حق ما را ادا کن"، "فریاد، فریاد، از اینهمه بیداد"

در این روز همچنین جمعی از سوی دانشجویان دانشگاه آزاد علوم پزشکی در اعتراض به شهریه های نجومی و افزایش آنها مقابل درب ورودی علوم و تحقیقات

اعتصاب و تجمع کارگران ارکان ثالث در پالایش گاز جم، تجمع بازنشستگان در کرمانشاه و پرستاران در قم



مختلف با فریاد شعار "پرستار نباشه، سیستم از هم میپاشه" پیگیر مطالباتشان شدند. خواستههای پرستاران سراسری است و مطالبات فوری آنها عبارتند از اصلاح حکم متناسب با تورم، برقراری فوق العاده خاص با ضریب ۳ و گنجاندن آن در حکم، اجرای دقیق تعرفه پرستاری، اجرای مقررات مشاغل سخت و زیان آور، ممنوع اعلام کردن اضافه کار جهت ارتقاء کیفیت خدمات رسانی نیروی انسانی، و ایجاد امنیت شغلی. از خواستهها و مطالبات پرستاران وسیعا حمایت کنیم.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۳ آذر ۱۴۰۳، ۳ دسامبر ۲۰۲۴

روز سه شنبه ۱۳ آذرماه کارگران ارکان ثالث شاغل در شرکت پالایش گاز جم در ادامه اعتراضاتشان دست به اعتصاب زدند و با تجمع در مقابل درب ورودی شرکت پیگیر مطالبات اعلام شده خود شدند. این کارگران مدتهاست که در اعتراض به شرایط کاری و دستمزدها و دریافتی های نازل و غیر عادلانه خود در حال اعتراض و اعتصابند. افزایش دستمزدها و حذف پیمانکاران دو خواست هم آنهاست. مطالبات فوری این کارگران عبارتند از: -حذف شرکت های پیمانکاری، طرح طبقه بندی مشاغل، اجرای طرح اقماری، همسان سازی حقوق و دستمزد و استفاده از رفاهیات شرکت و توجه به خواسته های رانندگان اتومبیلهای استیجاری.

امروز همچنین بازنشستگان کشوری در کرمانشاه با فراخوانی از قبل اعلام شده همچون سه شنبه های گذشته مقابل صندوق بازنشستگی کشوری همراه با بازنشستگان تامین اجتماعی و مخابرات در اعتراض به بی پاسخ ماندن مطالبات خود تجمع کردند. در این تجمع حضور زنان چشمگیر بود. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان از جمله شعار میدادند: "بیت المال و خزانه/ جولانگاه دزدانه"، "معلم زندانی آزاد باید گردد"، "حاصل کار دولت/ غارت جیب ملت"، "نه سرما نه گرما/ نیست جلودار ما"، "معیشت و درمان، بدتر از هر زمان"، "ریاضت و فلاکت تحمیل شده به ملت"، و "کارگر زندانی آزاد باید گردد".

امروز همچنین پرسنل نیروگاه توس مشهد در اعتراض به عدم تسویه معوقات مزدی کارگران و نیز عدم تبدیل وضعیت کارگران شرکتی بر اساس بخشنامه های وزارت نیرو از سال ۱۴۰۰ تا کنون دست به تجمع زدند.

در این روز پرستاران در قم نیز در ادامه اعتراضات گسترده پرستاران در شهرهای

تجمعات بازنشستگان نفت در اهواز، معلمان سواد آموزی، و مالباختگان



شرکت تجمع کردند و شعار میدادند: "تا حق خود نگیریم، آرام نمی نشینیم!". در همین روز در قزوین مالباختگان شرکت رضایت خودروی طراوت نوین، همزمان با برگزاری چهارمین نشست دادگاه این پرونده در برابر ساختمان دادگستری تجمع داشتند. در روز قبل از این نیز در سیرجان (استان کرمان) مالباختگان شرکت خودروی گهر خرید در برابر دفتر شرکت تجمع کرده و به کلاهبرداری و بالا کشیدن اندوخته هایشان با خشم اعتراض کردند. "شعار یک اختلاس کم بشه مشکل ما حل میشه" شعار اعتراضی مشترک در تجمعات بازنشستگان، معلمان، کارگران و بخش های مختلف مردم است.

حزب کمونیست کارگری ایران
۱۵ آذر ۱۴۰۳، ۵ دسامبر ۲۰۲۴

اعتراضات بر سر معیشت و رفاه گسترده است. بخش گسترده ای از این اعتراضات مربوط به بخش های مختلف بازنشستگان است. در این هفته بر سر این موضوع بازنشستگان تامین اجتماعی، فولاد، مخابرات، معدن کرمان و کشوری تجمعات اعتراضی خود را داشتند و پیگیر مطالباتشان شدند. در همین راستا روز ۱۴ آذر بازنشستگان نفت در اهواز برای چندمین بار در مقابل درب صندوق بازنشستگی صنعت نفت این شهر تجمع کردند. اعتراض این بازنشستگان به بدتر شدن هر روز بیشتر وضع معیشتی خود و اختلاسگری از صندوق بازنشستگی و بی پاسخ ماندن مطالباتشان است. در این تجمع اعتراضی بازنشستگان شعار میدادند: "بازنشسته به پا خیز علیه ظلم و تبعیض"، و "اینهمه بیهودگی هرگز ندیده ملتی".

در روز گذشته همچنین آموزش دهندگان نهضت سواد آموزی در شادگان با شعار "استخدام حق مسلم ماست"، "نه لایحه نه تبصره، استخدامی حق من است" تجمع کرده و خواستههایشان را پیگیری کردند.

در این روزها همچنین شاهد تجمعات متعددی از سوی مالباختگان در شهرهای مختلف بوده ایم. بخاطر بساط دزدسالار حاکم در ایران جنبش مالباختگان جنبشی گسترده است که کل حاکمیت را به چالش میکشد. در روز گذشته چهاردهم آذر ماه در شهر دزفول مالباختگان شرکت «نیوساد گستر ایرانیان» (مجمع تجاری گلباران دزفول)، در اعتراض به بالا کشیدن سرمایه خود توسط مالکان شرکت که دو پاسدار بازنشسته به نام های محمد حسین و احمد دهقان زاده هستند، در برابر ساختمان

زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی!



گسترش ۲۰۰۰ نفری، طوفان باکس استوری
 "با قانون عفاف و حجاب موافق نیستم"
 علیرغم تمام شدن وقت استوری ها بعد از ۲۴ ساعت،
 به دلیل استقبال وسیع کاربران، همچنان شاهد رشد صعودی و گسترش کاربرانی هستیم که با پیوستن به این طوفان مخالفت خود را با قانون عفاف و حجاب اعلام می دارند.

قانون "حجاب و عفاف" اعلام رسمی جنگ علیه مردم!

بیش از دو سال از مرگ حکومتی #مهسا_امینی که نامش اسم رمز اولین انقلاب زنانه تاریخ شد می گذرد.
 انقلابی که بعد از چهل و چند سال استیلاي آپارتاید جنسیتی بر جامعه ایران، پرچم "زن زندگی آزادی" را به عنوان نماد اعتراض همه بخشهای جامعه علیه تبعیض و ظلم و ستم حاکم به اهتزاز در آورد.
 امروز ضدیت حکومتی با زنان به عنوان مساله همه گیر اجتماعی بدل شده است.
 تمام روشهای سرکوب و طرح های رنگارنگ حکومتی برای عقب راندن زنان عقیم مانده و هرگز نتوانسته اند خاکریز فتح شده بیحجابی زنان را بخصوص در سایه پشتیبانی و حمایت همه جانبه مردمی باز پس گیرند.
 اینک با قانون حجاب و عفاف، جنگ علیه زنان را به جنگ علیه همه مردم گسترش داده اند.
 جنگی که در بی حقوقی و معیشت و کرامت جامعه همواره در جریان بوده است.
 اینبار همه مردم را بر سر مساله زنان مورد مجازات و سرکوب قرار داده اند و شکست این قانون مثل تمام طرح های سرکوب، قطعی است.
 این قانون به طرز مضحک و هیستریک، تمام بخشهای خرد و کلان جامعه را از هنرمندان، ورزشکاران، نویسندگان و مشاغل و.... خطاب قرار داده است.
 برای کتابها و عروسکها و اسباب بازیها.... هم قانون نوشته اند و مجازات تعیین کرده اند.
 قانونی که نشان می دهد همه جامعه با تمام ظرفیت و تواناییهایش در همه سنین

از کودک و پیر و جوان در تقابل با آپارتاید جنسی حاکم قرار دارند و برای سرکوب ما مردم با عنوان مساله زن، تدارک قانون عریض و طویل دیده اند.
 بازنشستگان به عنوان پیشکسوتان جامعه فریاد "روسی را رها کن، فکری به حال ما کن"، پاسخ همه مردم را به سیاستهای ضد زن حاکم که چماق سرکوب کل جامعه است، را بیان کرده اند.
 "ندای زنان ایران" ضمن محتوم به شکست دانستن تمام اجزای این قانون، اعلام می کند: زنان حذف شدنی نیستند و هرگز به عقب بر نمی گردند!
 "آپارتاید جنسیتی جنایت علیه بشریت است" و از همه کارگران، معلمان، هنرمندان و وکلا و... می خواهیم با شعار #زن_زندگی_آزادی برای در هم شکستن دیوارهای آپارتاید حاکم متحدانه یکصدا شویم.
 ندای زنان ایران - آذر ۱۴۰۳ (از مدیای اجتماعی)

مخالفت گسترده و متحدانه نهادها، انجمن ها و شخصیت های هنری، سیاسی، اجتماعی، حقوقی، با قانون عفاف و حجاب

خانه سینما، خانه تئاتر و خانه موسیقی ایران

انجمن صنفی معلمان کردستان

طوفان باکس استوری ۲۷۰۰ نفری

انجمن علمی روانپزشکان

انجمن هنرهای تجسمی ایران

انجمن تصویر کران ایران

حسن یونسی وکیل دادگستری

شماری از وکلا و حقوقدانان (نامه سر گشاده)

علیرضا امانی رئیس کانون وکلای دادگستری

مهبانو خشنودی کیا، ورزشکار و مصدوم چشمی

صدیقه وسمقی، و نسرین ستوده

معین خزانلی حقوقدان

امیر تویسرکانی - امیر سالار داوودی

حامد بیدی پلتفرم کارزار نت

صالح نیکبخت وکیل خانواده مهسا

امینی

محمد هادی جعفر پورقاضی دادگستری

کامبیز نوروزی وکیل دادگستری

حسین رونقی (از مدیای اجتماعی)



حکم اعدام پخشان عزیزی لغو باید گردد!

"پخشان عزیزی را از یاد نبریم
 خطر اعدام جدی است!"

پخشان عزیزی روزنامه نگار و فعال زنان، اهل مهاباد و دانش آموخته مددکاری اجتماعی

دانشگاه علامه طباطبایی تهران، که به جرم "فعالیت های داوطلبانه و انسان دوستانه" خود در میان آوارگان جنگ داعش، دستگیر و به حکم #بغی و اعدام محکوم شده است.

در پی اظهارات وکلای وی مبنی بر رسیدگی شتابزده در دیوان عالی کشور،

خطر اعدام برای پخشان عزیزی جدیست!

ما امضاکنندگان این طومار خواهان لغو فوری حکم اعدام پخشان عزیزی هستیم و از همگان می خواهیم برای نجات جان پخشان عزیزی همصدا شویم!

۱۸۷ نفر از زنان، کارگران، معلمان دادخواهان، بازنشستگان و مردم آزادیخواه با امضا این بیانیه خواهان لغو حکم اعدام #پخشان_عزیزی شده اند.

شما هم به پتیشن آنلاین علیه حکم اعدام پخشان عزیزی بپیوندید.

لینک پتیشن آنلاین: <https://forms.gle/MNjfkTXkUukzQFC6>

برگرفته از مدیای اجتماعی





هشدار انجمن علمی روانپزشکان ایران
نسبت به اجرای قانون حجاب و عفاف

بیانیه ۹۲۳ نفر از معلمان در مخالفت با قانون عفاف و حجاب- شهلا دانشفر

مراجع خواست مانع اجرای آن شوند. پزشک‌یان در رابطه با این لایحه از به هم خوردن وفاق ملی میگویند.

این مخالفت خوانی‌ها نشانگر بهم ریختگی صفوف حکومتیان در برابر فضای انقلابی جامعه و مقابله جانانه زنان و تحت عنوان حجاب است. یک نمونه آن

اعتراض عریان آهو دریایی اعتراضی به کل بساط آپارتاید جنسی حاکم بود. ادامه گسترده بیحجابی زنان در خیابانها و موج اعتراضی که حول لایحه کذایی حجاب و عفاف حکومت به راه افتاده شکست حکومت در جدال بر سر حجاب و شکست محتوم این لایحه را نشان میدهد.

از جمله تا هم اکنون طومارهای اعتراضی بسیاری از سوی تشکلهای مختلف کارگری و اجتماعی و اکتیویست های مدافع حقوق زن و فعالین و کنشگران اجتماعی علیه این لایحه منتشر شده و علیه آن باکس استوریهای هزاران نفره به راه افتاده است. یک نمونه از چنین اعتراضاتی بیانیه ۹۲۳ معلم است. بازنشستگان نیز بار دیگر با فریاد "روسری را رها کن، تورم را مهار کن" فریاد اعتراض خود را علیه این تعرضات در کف خیابان اعلام داستند. این چنین است که جامعه استوار ایستاده و با دفاع از دستاوردهایش تداوم انقلاب را فریاد میزند.

طوماری با ۹۲۳ امضا در اعتراض به لایحه حجاب و عفاف مصوب مجلس اسلامی منتشر شده است. لایحه ای سرکوبگرانه و ارتجاعی که با تعرض به زنان تحت عنوان حجاب هدفش بازپس گرفتن این خاکریز فتح شده انقلاب زن زندگی آزادی است، در بخشی از بیانیه اعتراضی معلمان چنین آمده است:

"ما بعنوان معلم، پدر، مادر، همسر و شهروند بنا بر مسئولیت انسانی، اجتماعی و حرفه ای خود، برای پاسداری آزادی و حمایت از خواست معقول و انسانی مورد تایید اکثریت قریب به اتفاق جامعه، مخالفت صریح خود را با این لایحه نامعقول که نه فقط تحدید کننده حق بنیادین یک انسان بلکه تهدید کننده امنیت روانی و جانی زنان و همه خانواده و بخصوص کودکان مدرسه ای که ما معلمان علاوه بر آموزش در کنار خانواده مسئول امنیت و سلامت جان و روان این عزیزان هستیم، اعلام می نماییم. و علاوه بر آن اعلام می نماییم که آماده هر گونه پشتیبانی و همراهی با دختران و زنان سرزمین مان و حمایت و دفاع از آن هستیم."

جمهوری اسلامی بعد از کشاکش های بسیار بالاخره لایحه کذایی حجاب و عفاف خود را به تصویب مجلس اسلامی رساند. این لایحه بیش از یکسال است که در دلانهای مختلف حکومت می چرخد. در باره آن بین خودی هایشان بحث های مخالف بسیار است. محقق دامادمیگوید که قوه مجریه آمادگی اجرایش را ندارد و آنرا غیر قابل اجرا و بر خلاف مصالح عامه میخواند. رییس گروه مطالعات اسلامی فرهنگستان علوم ابلاغ این قانون را موجب خسارت به دین و نظم کشور دانست و از

بیانیه فعالان و نهادهای حقوق کودک: قانون عفاف و حجاب در تقابل با حقوق بنیادین کودک است

جدید برای کودکان و حتی در نظر گرفتن مجازات هایی شدیدتر و برخلاف موازین حقوق کودک اساساً اقدامی غیرقابل توجیه است که ظن سیاست زدگی به نام قانون گذاری را تقویت می کند. ضمناً، با در نظر گرفتن ماده ۶ قانون حمایت از اطفال و نوجوانان که در قسمت تشکیلات، وظایف متعدد حمایتی را برای نهادهای مختلف دولتی و قضایی بر می شمرد، قانون حجاب و عفاف در تقابل با این قانون، وظایف متناقضی را برای همان نهادها تعریف می کند. در حالی که اساساً تجمیع این دو قانون و عمل و اجرای همزمان این دو باهم ناممکن است.

همه این ها در حالیست که طیف وسیعی از مسائل مغفول مانده در حوزه کودکان نظیر بازماندگی از تحصیل، اقدام به خودکشی، خشونت علیه کودکان، کودک آزاری، مشکلات پرشمار آموزشی و توانبخشی و رفاهی کودکان دارای معلولیت، و همچنین سیاست هایی نظیر کالایی سازی بهداشت و درمان و آموزش و کیفیت زدایی از آن ها، و اخراج کودکان پناهجو وضعیت غیرقابل قبولی را در زمینه حقوق اجتماعی، فرهنگی، آموزشی و رفاهی کودکان و حداقل استانداردهای تضمین کننده زندگی انسانی و باکرامت ایجاد کرده اند. در این وضعیت، فشار مضاعف بر کودکان و تشدید سیستم امنیتی و نظارتی پلیسی در سطوح مختلف اجتماعی و در گفتمان عمومی، خشونت ساختاری علیه کودکان را تقویت و موجب بی کیفی مانعی برای دست اندرکاران اجرای این قانون است.

نویسندگان این بیانیه با یادآوری اصول آزادی های مشروع و اساسی و اجماع جامعه مدنی ایران برای دفاع از حقوق و آزادی های همه افراد بالخصوص کودکان فارغ از جنس، مذهب، نژاد، ملیت، قومیت، طبقه اجتماعی اعلام می دارند که حقوق کودکان نه قابل مذاکره است و نه قابل چشم پوشی و مسئولیت مدنی و سیاسی اجرای مفاد این قانون و تبعات آن و پاسخ گویی در پیشگاه مردم و تاریخ، هم متوجهی

قانون موسوم به حجاب و عفاف آشکارا در تقابل با حقوق بنیادین کودکان وفق قوانین بین المللی و داخلی کشور است. این متن در فصل پنجم خود از ماده ۳۷ تا ۷۴ به تعیین مجازات برای طیف وسیعی از پوشش های عرفی تحت عناوینی از قبیل برهنگی، بی عفتی، کشف حجاب و بدپوششی در انظار عمومی، معابر یا اماکن عمومی اعم از فضای حقیقی یا مجازی پرداخته و در این میان برای کودکان ۹ تا ۱۸ سال نیز جرم انگاری های جدیدی را در نظر گرفته است. این در حالیست که در دهه های گذشته تلاش های جامعه مدنی و نهادهای متولی دفاع از حقوق کودکان با پیوستن به کنوانسیون حقوق کودک مصوب ۱۳۷۲ و تصویب قانون حمایت از اطفال و نوجوانان مصوب سال ۱۳۹۹ معطوف به رسمیت شناختن حقوق کودکان و تضمین بالاترین استانداردها در سطح بین المللی و با توجه به واقعیت های اجتماعی جامعه ایران بوده است. اصول کنوانسیون حقوق کودک و مشخصاً ماده ۳ این کنوانسیون اعلام می دارد که در تمام اقدامات مربوط به کودکان که توسط مؤسسات رفاه اجتماعی عمومی و یا خصوصی، دادگاه ها، مقامات اجرایی، یا ارگان های حقوقی انجام می شود، منافع کودک از اهم ملاحظات است.

واضح است که منافع کودکان با جرم انگاری علیه آنان در تعارض آشکار قرار دارد. همچنین، این کنوانسیون در مواد ۱۲ الی ۱۴ خود کشورهای عضو را متعهد به رعایت حق آزادی عقاید و ابراز نظرات، حق بر جستجو و دریافت اطلاعات و عقاید از هر نوع، بدون توجه به مرزها، کتبی یا شفاهی می کند. در همین راستا، قانون حمایت از اطفال و نوجوانان نیز در ماده ۳ وضعیت های مخاطره آمیزی را شامل بزه کاری شناسایی، و کودکان مشمول این ماده را تحت حمایت و توجه ویژه قرار داده است. با توجه به رویکرد جرم زدایی و حمایتی قانون آیین دادرسی کیفری و قانون مذکور، رویکرد مجلس دوازدهم به کودکان، با به وجود آوردن وضعیت مخاطره آمیز



قانون حجاب و عفاف در خیابان به ضد خودش تبدیل خواهد شد - مهران محبی

دستگاه های قانونگذاری جمهوری اسلامی مانند مجلس اسلامی و شورای نگهبان و زیر نظارت مستقیم خامنه ای سرانجام بعد از یک سال و نیم سبک و سنگین کردن اوضاع و موقعیت و توان حکومت در برابر جامعه لایحه حجاب و عفاف را مصوب و به قانون برای تعرض به زنان و به کل جامعه تبدیل کردند.

حکومت با از سر گذراندن جدال ها، کش و قوس ها و بیار و بیرهای درونی سرانجام قانون تعرض به زنان را رسمی کرد، ولی حالا با مشکل اساسی اجرای آن روبرو است. سران رژیم مانده اند که با قانونشان چکار کنند و در میانشان شکاف عمیقی ایجاد شده است. متوهم ترهایشان بر اجرای آن اصرار دارند و آن بخش که اندکی بیشتر از فهم و واقع نگری برخوردار هستند و وضعیت بحرانی و به بن بست رسیده همه جانبه حکومتشان که در محاصره یک جامعه تشنه سرنگونی رژیم قرار گرفته را درک می کنند، به صراحت اعلام میکنند که این قانون، نشدنی و غیرقابل اجرا است.

از پزشکبان گرفته که ریاکارانه پز راستگویی و صادق بودن با مردم می دهد تا خیلی از آخوندها و آیت الله های حوزه های علمیه دادشان بلند شده و به زبان استعاره و اشاره می گویند که اجرای قانون حجاب و عفاف دودمانشان را بر باد خواهد داد. می گویند در شرایطی که جامعه پر از بی عدالتی و تبعیض و فساد و دزدی است، اجرای چنین قانونی جایز نیست. از فراتر بودن گستره اجرای قانونشان با توصیه ها و احکام واجب الرعایت قرآنی و اسلامی و مغایر بودن با قانون اساسی شان حرف می زنند و از آسیب رساندن آن به جامعه می گویند.

معلوم است که ریشه این مخالفت ها با اجرای قانون حجاب و عفاف در بخشی از حاکمیت، در وحشت از تشدید اعتراضات جامعه و زیر فشار بیشتر قرار گرفتن حکومتشان است. متوجه هستند که جامعه زیر چه فشارهای اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی ای است که هر اقدام و فشاری از طرف رژیم خیلی سریع به ضد خودش تبدیل خواهد شد. به قول سعید محمد فرمانده پیشین قرارگاه خاتم النبیین سپاه، حکومت در میدان مین حرکت می کند و اولین اشتباه می تواند آخرین اشتباه اش باشد!

برای جمهوری اسلامی که کارنامه ای ۴۵ ساله در جنایت علیه عموم مردم دارد و مخصوصا علیه زنان، موضوعاتی که امروز بخشی از سران آن برای جلوگیری از اجرائی شدن چنین قوانینی تحت عناوین مغایرت با شرع و قانون اساسی و غیره به جلو می کشند، اهمیت و جایگاه توجه نداشته اند. این حکومت بر مبنای مصالح خود برای ادامه حیاتش که تنها با ابزار سرکوب و خشونت و جنایت مقدور بوده، متناسب با موقعیت خود در برابر جامعه برخورد و اقدام کرده است و هیچ محدودیتی را بر نمی تابد.

مشکل اساسی امروز رژیم این است که در برابر یک جنبش سراسری از کل جامعه از زن و مرد و کارگر و بیکار و غیره قرار گرفته است و نمی تواند مانند دهه ۶۰ به سراغ هیچ بخشی برای سرکوب برود.

در ابتدای به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی، هنوز بخش وسیعی از مردم تحت تأثیر باورها و افکار سنتی و مذهب زده بودند که حاضر به دفاع از حق برابری و حق پوشش اختیاری زنان نبودند و حکومت توانست برای بیش از یک دهه زنان را شدیداً زیر فشار قرار دهد. ولی امروز اوضاع کاملاً فرق کرده و از زمان شروع انقلاب "زن، زندگی، آزادی" که با موضوعیت مخالفت با حجاب به دنبال قتل مهسا امینی به دست آدمکشان گشت ارشاد شکل گرفت، آزادی و بی حجابی زن به یک ارزش انسانی برای عموم جامعه تبدیل شده است. و دفاع از آن یکی از اصول مهم در هر مبارز و

اعتراضی در دفاع از هر خواست و مطالبه ای است. در نتیجه افق و نشانه انقلاب زنانه بر صنفی ترین و معیشتی ترین تجمعات اعتراضی مستولی شده است.

آنچه که باعث شده تا حکومت را دو شقه و حتی چند شقه کند و در مقابل یکدیگر قرار دهد، نه عدول یا افراط از قوانین و شرع و غیره، بلکه فضای اعتراضی و رادیکالی است که علیه کلیت جمهوری اسلامی حاکم شده و هر تصمیم و اقدام سرکوبگرانه ای را به انحاء مختلف و بویژه در خیابان پاسخ می دهد.

به این معنا رابطه جمهوری اسلامی با جامعه، در قالب رابطه حکومت و دولت بر مردم قرار ندارد. رژیم و جامعه در یک رابطه تخاصم و رودرروئی با یکدیگر قرار دارند و نوعی از قدرت و حاکمیت دوگانه برقرار است. از اینرو هر پیشروی و پسروی ای تابع توازن قوا در خیابان است و امروز کفه ترازو در سمت جامعه سنگین تر است.

حکومت بنابر اعترافات سرانش، وضعیت بسیار بحرانی و وخیمی دارد و به درست مصداق لشکر تحت محاصره ای است که به داخل میدان مین سوق داده شده و با هر اشتباه و هر پا را به خطا جابجا کردن نابود خواهد شد.

اما معنای این اعترافات و هشدارهای یک بخش از حکومت به بخش دیگر این نیست که اگر قانون حجاب و عفاف را اجرائی نکنند، در امان خواهند ماند و به دزدی و چپاول ادامه خواهند داد. رژیمی که جامعه را از هر نظر تحت فشار گذاشته و جنبش و انقلابی برای سرنگون کردن خود را خلق کرده، نمی تواند امیدی برای سرپا ماندن داشته باشد، ولی تلاش می کند تا سرنگونی خود را تا جایی که ممکن است به تعویق بیندازد.

اگر حتی سران حکومت عاقل باشند و برای جان بدر بردن از سرنگونی در شرایط فعلی، اجرائی کردن قانون حجاب و عفاف را کنار بگذارند، دلایل و موقعیت های دیگری مانند گرانی بنزین، جنگ افروزی و تشدید شدن تحریم ها و غیره هستند که مردم را به خیابان بکشاند و باعث سرنگونی حکومت شان شود، ولی به هر حال از این ستون تا آن ستون برایشان فرج است و ترجیح می دهند به جای امروز شش ماه یا یک سال دیگر سرنگون شوند.

بیانیه فعالان و نهادهای حقوق کودک:

از صفحه ۱۴

دولت، به عنوان نهاد متولی صیانت از حقوق کودکان، و هم سایر نهادها و افرادی است که در تدوین، تصویب و اجرای چنین قانونی نقش دارند.

امضا کنندگان: انجمن درخت کوچک زندگی - انجمن پرند درخت کوچک - انجمن پژوهش های آموزشی پویا - انجمن حمایت از حقوق کودکان - انجمن شکوفایی استعداد های کودکان مهر - انجمن یاری کودکان در معرض خطر - جمعیت دفاع از کودکان کار و خیابان - کمیته حقوق کودک اسکودا (اتحادیه سراسری کانون های وکلای دادگستری) - گروه تلاشگران یاری همدل - گروه فرهنگی اجتماعی کیانا - موسسه مهر و ماه موسسه ندای ماندگار دروازه غار - موسسه یاریگران کودکان کار پویا - انجمن حمایت از کودکان کار

ای و ناعادلانه، افزایش ابزارهای نظارتی و کنترلی، انتصاب روسای امنیتی بیربط به دانش و دانشگاه، قدرت گیری بیش از پیش نیروهای حراست و مداخله های بیسابقه این نهاد در امورات دانشجویی مخصوصاً دختران دانشجو، بخشی از پروژه سرکوب است.

سیاستی که نه تنها بازدارنده نیست بلکه خشم مردم را در شرایط سخت معیشتی کنونی دوچندان میکند.

امسال در حالی به استقبال شانزده آذر میرویم که علیرغم ادامه سرکوب و تلاش برای ایجاد جو خفقان با احضار، بازداشت و صدور احکام سنگین در مورد فعالین، مقاومت و مبارزه دانشجویان همپای سایر نیروهای اجتماعی معترض به شرایط موجود بویژه کارگران، معلمان، بازنشستگان، بی وقفه ادامه دارد.

مردم اوج تقابل سرکوب و مقاومت را در پرفورمنس #دختر_علوم_تحقیقات هرگز از یاد نخواهند برد در شرایط و فضای کنونی جامعه ایران، دانشجویان تاثیرگذاری خود را با گره زدن مطالبات شان به زندگی اجتماعی و خواست عمومی مردم به پیش برده و این همبستگی را با شعار "دانشجوی زندانی، فقر، فساد، گرانی" بیش از پیش اعلام نمودند

شورای بازنشستگان ایران

۱۶ آذر ۱۴۰۳

برگرفته از مدیای اجتماعی

بیانیه بمناسبت روز دانشجو "فرزند کارگرانید، کنارتان میمانیم"

درسالهای اخیر بسیاری از مناسبت ها از خاصیت برگزاری سالگردهای روتین با تعابیر بزرگداشت و یادمان، پافراتر گذاشته و از قاب مناسبت تقویمی یک روز معین بیرون زده و به عرصه ای همه روزه برای اعتراض تبدیل شده اند.

جنبش دانشجویی متأثر از قطب بندی شدید طبقاتی و تحولات مهم سیاسی-اجتماعی، با رانده شدن به اردوگاه کارمزدی و اکثریت 99 درصدیهای جامعه، بعنوان بخش اجتناب ناپذیر از بازتولید نیروی کار، علاوه بر طرح و پیگیری خواست های خود بخشی فعال از طبقه مزدبگیر را نمایندگی میکند.

تفوق جمعیتی دختران دانشجو در ترکیب دانشگاهها، و حضور فعالانه و جسورانه زنان در همه عرصه های معیشتی و اجتماعی، شور و انگیزه مطالبه گری این جنبش را کیفیت و غنای بیشتری داده است.

حضور تعیین کننده و روزهای درخشان جنبش دانشجویی در انقلاب زن، زندگی، آزادی بعنوان نیرو محرکه عروج و اعتلای آن، حکومت را به سازماندهی گسترده برای انتقامگیری و سرکوب جنبش دانشجویی سوق داد.

همپای سرکوب های خونین در خیابانها، پروژه ارباب و حذف دانشجویان و اساتید و منتقدان از دانشگاهها همچنان ادامه دارد. همراه با بازداشت و حبس دانشجویان، تصویب آئین نامه های ضد دانشجویی، تعلق و اخراج دانشجویان و اساتید، محرومیت از حق تحصیل تعداد زیادی از دانشجویان با صدور احکام فله

بیانیه انجمن صنفی معلمان کُردستان (مریوان و سروآباد، سقز و زیویه، سنندج)

در اعتراض به لایحه حجاب اجباری؛ ایستادگی در برابر سرکوب و دفاع از کرامت انسانی

مترقی به شمار می رود. هر حکومتی که خود را مجاز به کنترل بدن و ذهن شهروندان بداند، مشروعیت خود را در برابر مردم از دست داده است.

مطالبات ما صریح و غیرقابل مذاکره است:

۱. لغو فوری و بی قید و شرط لایحه حجاب اجباری و تمامی قوانین مرتبط با آن.
۲. پایان دادن به استفاده از نهادهای آموزشی و فرهنگی به عنوان ابزار سرکوب و تحمیل ایدئولوژی حکومتی.

۳. پایبندی کامل حاکمیت به تعهدات حقوق بشری، به ویژه کنوانسیون های بین المللی که بر آزادی های فردی و برابری تأکید دارند.

۴. آزادی بی قید و شرط تمامی معلمان، دانش آموزان و فعالانی که در اعتراض به این قوانین غیرانسانی بازداشت شده اند.

ما هشدار می دهیم که تحمیل این گونه قوانین سرکوبگرانه، نتیجه ای جز افزایش خشم عمومی و گسترش نافرمانی مدنی نخواهد داشت. ما به عنوان معلمان این سرزمین، اعلام می کنیم که در برابر هرگونه سرکوب ایستادگی خواهیم کرد و با تمام توان از آزادی های اساسی شهروندان، به ویژه دانش آموزان و زنان، دفاع خواهیم کرد. این لایحه، نه از سر قدرت، که از سر هراس است؛ هراسی از آگاهی، اتحاد و مقاومت مردم.

ما معلمان، در کنار دانش آموزان و خانواده ها، اعلام می کنیم که آزادی انتخاب و کرامت انسانی را به هیچ وجه به معامله نمی گذاریم و در برابر هرگونه تلاش برای محدود کردن این حقوق، ساکت نخواهیم نشست. #«قانون عفاف و حجاب برگرفته از مدیای اجتماعی

به نام آزادی و برابری،

انجمن صنفی معلمان کوردستان، با قاطعیت تمام تصویب و اجرای لایحه حجاب اجباری را اقدامی سرکوبگرانه، تجاوز به حقوق بنیادین انسانها و توهین به شعور ملت می داند. این لایحه، که هدفی جز تثبیت سلطه و کنترل بر بدن و انتخاب های زنان و شهروندان ندارد، نقض آشکار اصول حقوق بشر و اعلامیه جهانی حقوق بشر است.

لایحه حجاب اجباری تنها یک قانون نیست؛ بلکه ابزاری برای سرکوب و تحمیل اراده حاکمیت بر مردم است، با این هدف که هرگونه صدای آزادی خواهی را خاموش کرده و جامعه ای تسلیم شده و بی هویت بسازد. اما تاریخ نشان داده است که آزادی هیچ گاه با اجبار خاموش نمی شود. حق انتخاب در پوشش و حریم شخصی، بر اساس مفاد مواد ۱، ۲، ۱۸ و ۱۹ اعلامیه جهانی حقوق بشر، غیرقابل انکار است و هرگونه تعرض به آن تجاوزی آشکار به کرامت انسانی و توهین به شعور ملت محسوب می شود.

ما معلمان، به عنوان وجدان بیدار جامعه، نمی توانیم در برابر این اقدام ضدانسانی سکوت کنیم. اجرای چنین قوانینی در مدارس و محیط های آموزشی، نه تنها آینده ای تاریک و سرکوب شده برای دانش آموزان رقم خواهد زد، بلکه نهاد آموزش و پرورش را به ابزار تبلیغ ایدئولوژی و اجبار تبدیل خواهد کرد. این لایحه تلاشی است برای تبدیل مدارس به اردوگاه های ایدئولوژیک، که در آن خلاقیت، آزادی اندیشه و تفکر انتقادی قربانی مطامع حاکمیت می شود.

ما تأکید می کنیم: تحمیل حجاب اجباری نه تنها نقض حقوق زنان است، بلکه اعلان جنگی آشکار علیه آزادی های اساسی و اصول بنیادین یک جامعه مدرن و



بیانیه شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران به مناسبت ۱۶ آذر: دانشگاه، میدان نبرد آزادی و آگاهی

۳. پایان دادن به استعمار معلمان و دانشجویان؛ آموزش نباید کلاسی در چنگال طبقه حاکم باشد.
 ۴. تضمین حق تشکل‌یابی مستقل، بدون دخالت و سرکوب.
 ۵. محکومیت هر نوع جنگ و جنگ‌طلبی و جنگ‌افروزی، چه در سطح بین‌المللی و چه در داخل کشور.
 ۶. اعتراض به تبعیض جنسیتی و سرکوب زنان * از جمله تحمیل حجاب اجباری و قوانین ضد زن مانند قانون عفاف و حجاب، که آزادی و کرامت انسانی زنان را هدف قرار می‌دهد.
 ۷. اعتراض به شوک‌های اقتصادی، تورم و سیاست‌هایی که فقر و فلاکت را به میلیون‌ها نفر تحمیل کرده است.
 ۸. محکومیت احکام اعدام، زندان و سرکوب‌گری‌های گسترده‌ای که جان و آزادی بسیاری را به گروگان گرفته است.
- دانشجویان و معلمان، سنگربانان آگاهی‌اند؛ و این آگاهی، دشمن اصلی استبداد و سرمایه رانتی است. ۱۶ آذر نه تنها روز اعتراض، بلکه روز آفرینش چشم‌اندازهای نو برای جامعه‌های آزاد و برابر است. ما در کنار شما ایستاده‌ایم تا این سنگرها را از چنگال ظلم بازپس بگیریم و آینده‌ای نو بسازیم.
- ۱۶ آذر، روز برخاستن، روز مقاومت، روز فریاد زدن برای رهایی است. این روز را به نمادی برای نابودی هرگونه استبداد و بهره‌کشی تبدیل خواهیم کرد. ما سکوت نمی‌کنیم. ما عقب نمی‌نشینیم. ما پیروز می‌شویم.
- شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران - ۱۶ آذر ۱۴۰۳
برگرفته از مدیای اجتماعی

۱۶ آذر، روز دانشجو، روز مقاومت و اعتراض، نماد نبرد تاریخی علیه استبداد و نابرابری است؛ روزی که خون سه یار دبستانی بر سنگفرش دانشگاه ریخت و شعله‌ای از آزادی‌خواهی برافروخت. که هیچ‌گاه خاموش نشد و نخواهد شد.

در این روز، ما بر آنیم تا بار دیگر بر نقش دانشجو، معلم و تمامی مردم آزادی‌خواه در ایستادگی برابر سرکوب و خشونت تأکید کنیم.

استبداد و سرمایه، دو وجه یک سکه‌اند؛ دستگاهی درهم تنیده که دانش و آگاهی را نه به‌عنوان ابزاری برای رهایی، بلکه وسیله‌ای برای سرکوب و تداوم ایدئولوژی رسمی خود می‌خواهد.

دانشگاه، این کانون آفرینش و تغییر، در نگاه صاحبان قدرت چیزی جز پادگانی نیست که باید به بندگی کشیده شود. اما حقیقت آن است که دانشگاه، میدان نبرد برای آزادی و برابری است؛ جایی که مقاومت برای آزادی، به سیاستی زنده و گشودگی به حقیقت بدل می‌شود.

امروز، دانشگاه‌ها و مدارس ما به سنگرهایی برای مقابله با سرکوب بدل شده‌اند. دانشجویان و معلمان که از آزادی، عدالت و برابری سخن بگویند. با زندان، حذف و سرکوب مواجه می‌شوند. این سازوکار پوسیده و نظم ناعادلانه، تلاش دارد تا مناسبات برده‌ساز سرمایه‌داران نامشروع و استبداد را طبیعی جلوه دهد. اما دانشجو، این آغازگر عصیان، هرگز خاموش نمی‌شود. او با کنش آفرینش‌گرانه و تأمل انتقادی خود، نظام سرکوب و بهره‌کشی را به چالش می‌کشد و توانایی حضور و نافرمانی را در جامعه گسترش می‌دهد.

شورای هماهنگی تشکل‌های صنفی فرهنگیان ایران در این روز تاریخی، همبستگی خود را با دانشجویان بیدار و مردم آزادی‌خواه اعلام و خواسته‌های خود را با شفافیت بیان می‌کند:

۱. آزادی فوری و بی‌قید و شرط تمامی زندانیان سیاسی و عقیدتی، معلمان و دانشجویان.
۲. برچیدن تمام نهادهای سرکوب و امنیتی از دانشگاه‌ها و مدارس.

بیانیه اتحاد بازنشستگان به مناسبت روز دانشجو

استقرار امنیتی‌ترین فشارها در دانشگاه‌های سراسر کشور شده است. با وجود گذشت بیش از دو سال از اعتراضات جنبش زن، زندگی، آزادی وضعیت حاکم بر دانشگاه‌ها همچنان ملتهد است و صدها حکم انضباطی و اخراج و تعلق از سوی کمیته‌های انضباطی صادر شده و پرونده سازی‌ها همچنان ادامه دارد. تفکیک جنسیتی و رعایت پوشش و حجاب اجباری به شدت و تا سرحد آزار شدید روحی و روانی دانشجویان پیگیری می‌شود. روشن است که با قانون ارتجاعی جدید حجاب و عفاف این سختگیری‌ها در محیط دانشگاه بیشتر می‌شود. اما با توجه به سابقه مبارزاتی در دانشگاه‌های کشور بدون تردید می‌توان گفت که این روش‌های مستبدانه قادر نیستند تا جنبش دانشجویی را در سکوت فروبرند و مانع پیوند آن با جنبش‌های مردمی شوند. بدون تردید دانشجویان در حرکات اعتراضی آینده این پیوند ناگسستی را بار دیگر نشان خواهند داد.

مبارزات دانشجویان تنها در این رابطه‌ی متقابل است که مثمر ثمر بوده و پیروز خواهد شد.

گرامی باد ۱۶ آذر روز دانشجو-اتحاد بازنشستگان
برگرفته از مدیای اجتماعی

در پهنه‌ی تاریخ ایران تاسیس نهاد دانشگاه همواره با مبارزه برای عدالت و آزادی گره خورده است. دانشجویان آگاه و پرشور، روشنگر راه مبارزه برای عدالت و آزادی بوده‌اند.

دانشجویان مبارز، هم‌چون پرچمداران امید، در برابر ستم ایستادند، دانشگاه برای آنان صرفاً مکانی برای دانش‌اندوزی نبود بلکه سنگری برای مبارزه علیه ظلم بوده است.

۱۶ آذر سال ۱۳۳۲ نیز دانشجویان علیه سیاست‌های حاکم دست به اعتراض زدند سه تن از آنان هدف گلوله‌ی ماموران حکومتی قرار گرفته و جان باختند. این دانشجویان با حرکت اعتراضی خود بر رسالت مردمی جنبش دانشجویی و پیوند آن‌ها با هم تأکید کردند و از آن هنگام ۱۶ آذر در ایران روز دانشجو نام گرفت.

امسال نیز در حالی روز دانشجو را گرامی می‌داریم که مردم ایران در اثر بی‌تدبیری و فساد ساختار حاکم در شرایطی بس دشوار به‌سرمی‌برند و در وضعیت سیاسی فعلی هیچ روزنه‌ای از امید به آینده‌ی بهتر مشاهده نمی‌کنند.

اعتراضات کارگران و اقشار کم درآمد علیه شرایط غیر قابل تحمل در حال اوج‌گیری است و هراس حاکمیت از شروع دوباره‌ی جنبش‌های مردمی، باعث



کیفر خواستی به بهانه روز جهانی حقوق بشر!

ما مردمی هستیم در چنبره‌ی «ویرانگران انسانیت» (که در آن حقوق بشر زیر پای سلطه‌گرانش هر روزه در محیط‌های کار، خیابان و زندان و با طناب‌های دار له می‌شود.

از سرزمینی که #مهسا_امینی را به خاطر حجاب به قتل رساندند، #آرمیتا_گراوند را کشتند تا خاکریز فتح‌شده‌ی حجاب را بازپس گیرند، بساط آپارتاید جنسی با نماد حجاب، مصداق «جنایت علیه بشریت» خوانده شده‌است.

این‌جا حقوق بشر از همان بدو تولد انسان زیر پا گذاشته می‌شود. سرزمینی که در آن شاهد بالارفتن آمار هر روزه‌ی کودکان کار و خیابان و نابودی آینده‌شان هستیم، سن تن‌فروشی، به یازده‌سال سقوط کرده و اعتیاد به مواد مخدر به مدارس ابتدایی رسیده‌است.

اینجا سرزمین اعدام است که قتل حکومتی روندی چهل و پنج ساله دارد. اعدام‌ها ساعتی افزایش می‌یابد و صدها زندانی و خانواده‌هایشان در سایه‌ی هولناک احکام اعدام قرار دارند که در برابر آن #سه_شنبه_های_علیه_اعدام رقم خورده‌است.

در این‌جا مالکیت سرمایه داران مفتخور و حفظ سرمایه‌هایشان مقدس است و به کارگر، معلم، بازنشسته، پرستار، به خاطر طلب مزد و حق و حقوقش راه زندان را نشان می‌دهند.

اکنون هزاران نفر به جرم ابراز عقیده و اعتراض، به زندان‌ها افکنده شده و عمرشان را به‌عنوان زندانی سیاسی به گروگان گرفته‌اند.

در این‌جا زندان‌ها از معترضین پر است و محرومیت از دارو و درمان شکلی از شکنجه و مرگ خاموش پیدا کرده‌است. توزیع داروهای روان‌گردان در زندان‌ها و به خودکشی کشاندن زندانیان، به روندی معمول برای زندان‌بانان تبدیل شده‌است.

این‌جا #آهو_دریایی را به خاطر اعتراض عریانش علیه تعرضات حکومتی به بیمارستان روانی می‌برند و به او داروهای روان‌گردان می‌خورانند.

در این‌جا محیط‌های کار از کارخانه و مدرسه و بیمارستان و... به قتلگاه انسان‌ها بدل شده‌است. نمونه‌ی اخیرش قتل ۵۳ معدنچی در #معدنچی_طبس است.

نمونه‌ی دیگرش مراکز کاری در نفت، این صنعت ثروت آفرین است، جایی که کار در گرمای سوزان تابستانی جان کارگر را می‌گیرد و هر روز خبر حریق در این گوشه و آن گوشه‌اش از کارگران قربانی می‌گیرد و یا خبر ایست قلبی پرستار به خاطر فشار کار را می‌شنویم.

در این سرزمین نصیب یک #سوختر، یک #کولبر و یک #دست‌فروش بی‌تامین جویای لقمه‌ای نان، گلوله‌است.

در این‌جا آموزش ایدئولوژیک و تبعیض آمیز محیط‌های آموزشی، از عوامل رانده شدن کودکان به بازار کار است که جان و زندگی کودک را در خطر هر روزه قرار میدهد.

تحقیر و سرکوب‌های جنسیتی علیه کودکان، عامل به خودکشی کشاندن دانش‌آموزان است.

در این‌جا محیط زیست به خاطر سیاست‌های مرگ‌آفرین حاکمیت به نابودی کشانده شده و مردم به خاطر آلودگی هوا سرو کارشان با بیمارستان است و طبق آمار رسمی، ۱۰ درصد مرگ و میرها بدلیل آلودگی هوای ایران است.

ما از جامعه‌ای سخن می‌گوییم که

بعد از گذشت دوسال از شروع اعتراضات قتل #مهسا_امینی، که دنیا، صدای ما مردم را با فریاد «زن زندگی آزادی» (شنیده‌است، هم‌چنان زنان در جنگ با آپارتاید جنسیتی برای زندگی و آزادی‌شان هستند و جنبش بر سر معیشت و کرامت انسانی با فریاد «اتحاد اتحاد علیه فقر و فساد» هر روز صف خود را متحدتر می‌کند.

ما مردمی هستیم که برای تامین معاش و لقمه‌نانی، در جنگی هر روزه هستیم. دادخواه انسان‌هایی هستیم که به جرم اعتراض برای حق و حقوق خود و دفاع از کرامت انسانی گلوله و طناب دار نصیبشان شد.

دادخواه #مهساها، #ساریناها، #غزاله‌ها، #آرمیتاها هستیم.

دادخواه انسان‌هایی که خود قربانیان سوداندوزی و چپاولگران حاکم هستند و تحت عنوان سوداگران مرگ، هر روز بر طناب دار آویخته می‌شوند. ما فریاد رسای «زن زندگی آزادی» هستیم.

این بیانیه به مناسبت روز جهانی حقوق بشر، کیفرخواست و فریاد دادخواهی ماست. نه می‌بخشیم و نه فراموش میکنیم.

ما امضا کنندگان این بیانیه، ما دادخواهان، کارگران، معلمان، پرستاران، زنان و بازنشستگان، مدافعین حقوق زن و کودک در روز جهانی حقوق بشر، همه‌ی مردم و نهادها و تشکلهای سازمان‌های مدافع حقوق بشر در ایران و سراسر دنیا را فرامی‌خوانیم،

۲۱ آذر مصادف با ۱۰ دسامبر را به روز اعتراض علیه حکومت ضد انسان جمهوری اسلامی که جان و زندگی میلیون‌ها نفر را تحت حاکمیت ایدئولوژیک و آپارتاید جنسیتی به گروگان گرفته‌است، اعتراض کنیم.

همه با هم با یاد همه‌ی جانب‌اختگان و برای دادخواهی زندگی و حقوق اولیه‌ی انسانی مان فریاد می‌زنیم

زندگی، معیشت، آزادی حق ماست و حق گرفتگی است.
امضاءها:

اتحاد بازنشستگان

انجمن برق و فلز کرمانشاه

اعدام نکنید

چالش صنفی معلمان ایران

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت

شورای سازماندهی اعتراضات کارگران غیررسمی نفت (ارکان ثالث)

شورای هماهنگی اعتراضات پرستاران

ندای زنان ایران

نهاد دادخواهان - جمعی از فعالان جنبش لغو کار کودک

آذر ۱۴۰۳ (برگرفته از مدیای اجتماعی)

کارگر کمونیست

مسئولیت مطالب با نویسندگان آنهاست. درج مقالات در کارگر کمونیست لزوماً به معنی تأیید مضمون آنها از جانب نشریه نیست